

باهوشیاری و اتحاد می توان توطنه های ضد انقلاب را عقیم گذارد

حماطور که در اعلامیه های کمیته مرکزی حزب توده ایران مورخ ۵۹/۳/۱۰ و ۵۹/۳/۱۰ همدار داده شده است، ضد انقلاب به کمک همکاران و متحدانی که در همه جا دارد، می خواهد که در روز...

توطئه جنایتکارانه و خائنانانه خود را جلوه در نظر دارد که به سرازیر حزب توده ایران حمله کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه ای به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران، که در نوشت...

آن برای شورای انقلاب، ریاست جمهوری، مجلس شورای ملی، سپاه پاسداران، دادستانی کل انقلاب اسلامی و وزارت کشور ارسال شده، همدار خود را در این زمینه تکرار و تاکید کرده است.

مدارینجا نیز باید یکی از هممردم ایران و از همه نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از عقاید سیاسی و مسلکی آنان مطالبیم که با هوشیاری، متانت، آرامش و استواری از هر گونه تشنج و درگیری سیاسی قاطعانه عمل کنند.

ما از مقامات مسئول نیز مطالبیم که به وظایف خود در جلورگبری از تشنج و درگیری و حمله به مراکز احزاب و سازمانهای سیاسی قاطعانه عمل کنند.

ما مطمئنیم که با هوشیاری و اتحاد می توان توطنه های ضد انقلاب را عقیم گذارد. کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹۳۳۱۱

نامه مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۹
دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۱

مسئله ارضی، دهقانان و شورای انقلاب

صفحه ۵

این همان خط «گام به گام» نیست؟!

صفحات ۳ و ۶

مهندسان و کارگران ایرانی میتوانند اداره مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن را بعهده گیرند

صفحه ۶

کارگران نانوائی های اراک از نداشتن سندیکا رنج میبرند

مسائل کارگری - صفحه ۴

پاکسازی کامل دستگاه دولتی تأخیر ناپذیر است

بیش از ۱۵ ماه از پیروزی انقلاب می گذرد و هنوز دستگاه دولتی نوسازی نشده که سهل است، پاکسازی نیز چنانکه باید نشده است. میگوئیم چنانکه باید، پاکسازی نشده، زیرا تاکنون برخی اقدامات بصورت اخراج، صدور احکام بازنشستی و یا باز خرید نسبت به برخی افراد، چه در ارتش و دیگر نیروهای مسلح و یا ادارات دولتی انجام گرفته، ولی ملاک عمل چنان بوده و یا کمیسیونهای پاکسازی چنان رفتار کرده اند که حالا در نظر است کمیسیونهای دیگری تشکیل گردند، تا تعداد معینی از افرادی را که در معرض پاکسازی قرار گرفته اند، دوباره به کار و لایه خود بازگردانند. و نیز تاکنون افرادی را بدلیل گرایشهای ایدئولوژیک و نه سابقه «طاغوتی» و یا موضوگیری سیاسی نسبت به انقلاب، از دستگاه دولتی، بویژه از دستگاه آموزشی، اخراج کرده اند. و چنانکه باید، انجام نگرفته، بلکه حتی در جریان آن پاکسازی «دسی»، نیز که انجام گرفته، «درگهائی»

جاری بوده که صحت عمل آن، پاکسازی نسبی را نیز در مواردی در معرض سؤال قرار داده است. هر انقلابی، پس از کسب پیروزی و تصرف قدرت، میبایستی دستگاه دولتی خود را برای اعمال حکومت، برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب بپروازد، برای دسترسی به اهداف انقلاب بپروازد، بوجود آورد. هیچ انقلابی نمیتواند بسا دستگاه دولتی رژیم واگردد، انقلاب را تثبیت کند و تساهل و تساهل نباشد. این قانون هر انقلاب، تمام انقلابها، از جمله انقلاب ایران است. عدم توجه به این قانون، عدم اجرای این قانون، بهر دلیل و بهانه ای باشد، بخطر انداختن انقلاب است. ما از فردای پیروزی انقلاب، تساهل و تساهل نباشد، انقلابی پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی (بویژه ارتش و نیروهای مسلح) را تساهل و تساهل نگرددیم و ضرورت اجرای فوری و دقیق این امر حیاتی را تساهل و تساهل نگرددیم. ولی تاکنون مسئله پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی در صفحه ۲

در کنفرانس بین المللی برای بررسی مداخلات آمریکا در ایران

امپریالیسم آمریکا باید جوابگوی شهادت دهها هزار نفر از بهترین فرزندان ایران و تاراج صدها میلیارد دلار دسترنج مردم ایران باشد

پس از آن نوبه انتقاد پیمان بغداد فرا رسید. بمنظور حفظ مصالح استراتژیک امپریالیسم آمریکا، بویژه امپریالیسم آمریکا، ایران میبایست بمنابهای یکی از حلقه های زنجیر اسارت خلقهای خاورمیانه عمل کند. برای هموار کردن این راه، باز هم برای لازم بود. روز ۲۶ مرداد سال ۱۳۳۴ سومین گروه افسران توده ای به برضای اعدام بسته شدند. ضمن مقارن با این ایام کریمشیرازی، بنمست آدم کشان و به دستور اشرف با نفت آتش زده شد. سیاه برای تاراج بدون مزاحمت و نیست مبین ما نقشه های دور و درازی در پیش داشت. حکومت نظامی بطور ساده پاسخگویی این نیاز و حدود کاربرد آن به اندازه کافی رضایتبخش نبود. سازمان سیا لازم دید شعبه خود را در ایران تاسیس کند. کارشناسان و متخصصین آن در ایران دست یار شدند و دستنهی آنها بعنوان سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک)، بمنابهای نیرومندترین شعبه سیاه در سراسر خاورمیانه، شروع بکار کرد. بدین ترتیب بود که ایران یکی از صدمه پذیرترین پایگاههای امپریالیسم آمریکا در این منطقه تبدیل گردید.

تحریکات و تجاوزات رژیم بعثی عراق در مرزهای ایران را بشدت محکوم میکنیم

ایران خشم و نفرت شدید همه مردم بین دوست، استقلال طلب و آزادیخواه ما را برانگیخته است. توده های زحمتکش همجا آمادگی خود را جهت دفع حصالات و تجاوزات دشمن و دادن جواب دندان شکن باو اعلام می کنند. مردم ایران به دام تحریکات و توطئه های رژیم بعثی عراق نیفتاده و بی دردی دشمن نیفتاده و با هوشیاری انقلابی و عزیمت راسخ اینگونه نقشه ها را نقش بر آب می سازند.

مزدوران بعث عراق، که در نتیجه سیاست خصمانه خویش با خشم و تفر هسگانی در کشور روبرو شده اند، سرزمین عراق را به نوبه پایگاه ضد انقلاب فراری می شوند. حاکم از وسعت اقدامات خصمانه دشمن اصلی است. البته تاکنون همه این تشنج انگیزیه ها، خرابکاریها و تجاوزات در نتیجه هوشیاری و تقویت مردم و فنکاران شایسته و محسنین فرزندان بیرومند خلق دفع شده است. با ایجاد تشنج دائم در مرزهای تجاوزات بی دردی مزدوران بعث عراق بر زمین و هوایی

بلوریکه از اخبار رساله های گروهی و مطبوعات برسی آید، تجاوزات پراکنده نظامی و هوایی عراق بر زمین و هوایی ایران، که از جندی پیش شروع شده، رفتار غیرگسترش می یابد. چینه تپه های بیخود می شود. درین حال اخباری درباره کشتن پان های متجاوزان میچیز به وسائل چینی حوالی پایگاه نظامی خانی نزدیک مرز پاکستان شنیده میشود...

اینگونه خیرها در مجموعه دیگر اطلاعاتیکه بیامون مدارکات نظامی و غیر نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران منتشر میشوند، حاکی از وسعت اقدامات خصمانه دشمن اصلی است. البته تاکنون همه این تشنج انگیزیه ها، خرابکاریها و تجاوزات در نتیجه هوشیاری و تقویت مردم و فنکاران شایسته و محسنین فرزندان بیرومند خلق دفع شده است. با ایجاد تشنج دائم در مرزهای تجاوزات بی دردی مزدوران بعث عراق بر زمین و هوایی

دوران طولانی و بدون انقطاع تشدید روزافزون اختلاف و فشار، سلب تمام حقوق و آزادیهای مردم، هجومی ایلغارگرانه و شایانه به خانه ها برای شکار مخالفین آغاز گردید.

امپریالیسم آمریکا اعمال این شیوه های فاشیستی، این کشتارهای فجیع، این نابود کردن خاندانها را بنمست یک سازمانست بیبکار وابسته به سیاه بظلم خود این کشتارها نمیخواست. امپریالیسم آمریکایه دست شاه مخلوع و سازمان امنیت و مبین ما را بتمام معنی کلمه به آتش کشید، هیچگونه رادع و مانعی در راه اجرای هدف اصلی آن، یعنی تاراج بی دردمرست ثروت و هستی و گنجینه های زیرزمینی و حاصل

دسترنج زحمتکشان محروم و گرسنه مبین ما باقی نماند. و تا مدتی نیز باین هدف به حدی، که برای آن رضایت بخش بود، دست یافت.

میلیونها مردم زحمتکش مبین ما میبایست همچون بردگان مورد بهره برداری بهره کسی قرار بگیرند، و خون آنها بهرام خون هزاران نفر از برادران روشنفکر و ضدستعمار آنها میبایست و تیفه ادامه این اسارت مادی و معنوی بشود، تا انصارات بین المللی آمریکائی، بخصوص دو گروه آنها، یعنی انصارات نفتی و انصارات اسلحه سازی، فرغ از هرگونه اندیشه مزاحمت، هست و نیست ایران را غارت کنند. شاه مخلوع از طرفی بعنوان خریدار و از طرف دیگر بعنوان حواله کار کارخانه های اسلحه سازی، با پول حاصل از دسترنج زحمتکش ایرانی، بیش از شصت میلیارد دلار بجهت این کارخانه ها ریخت و خود معادل این مبلغ را از خزانه دولت چپید و در بانکهای خارج و بطور عمده بانکهای آمریکا باامانت سپرد.

دستارن فسادناپذیر بند و بست کارخانه اسلحه سازی لاکهید و گرومان بقدر کافی برده اند. آنها با سلاطین، شیوخ و شاهزادگان برخی کشورهای عربی، و نیز با شاه مخلوع و خواهران و برادران او وارد معاملات شدند که حتی در عرف کشورها های فسادناپذیر سرمایه داری ننگ آور بود. کار این اقتضاع چنان بالا گرفت که کمیسیون تحقیق سنای خارجی آمریکا خود را ناگزیر به تحقیق و مداخله دید، منتها در آنجا برای اینکه حیثیت دوستان آمریکا و عده ای از ستانورهای دست اندر کار خود آمریکا محفوظ بماند، موضوع را درز گرفتند و روی آن سروش گذاشتند.

و آنکه که مردم ایران از این همه

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

خلاصه متن بیانیه مشترک اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن ، که در پایان دیدار علی ناصر محمد از مسکو انتشار یافت:

روابط اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک خلق یمن با سرعت بنوع مردم در کشور در حال گسترش است و تحکیم میشود. دولت جمهوری دمکراتیک خلق یمن سیاست آزادی خرد را از کمکهای بی ثبات و حمایت اتحاد شوروی از خلق یمن دمکراتیک برای آرمان تکیه استقلال ملی مدعی گردن میری که در نفع کنگره حزب سوسیالیست یمن تعیین شده است و در اجرای دیگر گونهای بزرگ اجتماعی-اقتصادی، در ایجاد جامعه ای فارغ از استثمار انسان و در تحکیم روابط دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی پس از آورده و بعمل میآورد. این از دیدار اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن تا مسلمانه تازشهای نیروهای سوسیالیستی در یمن طلب را برای خرابکاری در روند تکلیف تشنگان و تحویل در جدید مسابقه تسلیماتی، از جمله مسابقه تسلیماتی موشکی است و مداخله در امور داخلی سیاسی کشورهای دیگر و ایجاد قانونهای بحران و تشنج در تمام مختلف جهان مستحکم می کنند. در طرف بوئنه مایه ماریت خطرناک روش ایالات متحده آمریکا در منطقه خاور نزدیک و میانه که هدف تحکیم مواضع نظامی و استراتژیک آمریکا را تکیه میکند و همچنین ایجاد شبکه پایگاههای نظامی و سرمایه بندی کردن پولهای تجاوزکار متذکر شدند. دو کشور اعلام میکنند که امریالیم تلاش دارد توجه مردم عرب را از مبارزه برای آرمان برکناری آزارتبار اسرائیل منحرف سازد، میان آنها تفرقه ایجاد کند و میان مردم عرب و دوستانشان اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی، شکاف اندازد. امریالیم آمریکا در همان حال که به دروغ برای اسارت دلروزی میکند، از اقدامهای تجاوزکارانه علیه کشورهای عرب حمایت کرد و آشکارا سیاست خصمانه ای علیه انقلاب ایران پیش گرفته است. حقایق نشان میدهد که امریالیم دشمن اصلی خلقهای مسلمان بوده و هست. دو کشور تا مسلمانه سیاست حل و فصل جداگانه را که ادامه

اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن از ایران پشتیبانی میکنند

تجاوز علیه اعراب را تکیه میکند، مستحکم میکند و اعتقاد دارد که در وقت تسلیم طلبانه رهبری مسکو امتیازهای هر چه بیشتری به اسرائیل تجاوزکار میدهد. با مبالغه علیه خلقهای عرب تأیید است دارد و رسیدن به حل و فصل همه جانبه مسئله خاور میانه را بر نیترت میکند. در طرف لزوم تحکیم اتحادیه صلح و همکاری و خلقهای عرب را در مبارزه علیه توطئه های امریالیم و هندستان و در علیه سیاست تسلیم طلبانه مورد تکیه قرار دادند.

اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن بر این باور است که تعیین های کنفرانس آوریل گذشته کشورهای عضو جبهه پایداری عرب در طرابلس اشاعه کردند.

در طرف تکیه کردند که در حل همه جانبه مسئله خاور میانه تنها بر اساس خروج کامل نیروهای اسرائیل تجاوزکار از سرزمینهای اشغال و اجرای حقوق ملی غیر قابل انکار خلق عرب فلسطین، از جمله حق این خلق در تعیین سر و سر خود و ایجاد یک کشور مستقل برای خود، امکان پذیر است.

در طرف همبستگی خود را با جمهوری دمکراتیک افغانستان در مبارزه برای استقلال و حاکمیت ملی و در دفاع از دستاوردهای انقلاب آوریل اعلام کردند و با اشاره به لزوم حل و فصل سیاسی اورمانی که در احوال افغانستان ایجاد شده، تکیه کردند که باید قطع کامل هر گونه مداخله نیروهای امریالستی-ارتجاعی علیه افغانستان بگونه ای مطمئن تضمین شود.

اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن از حق تفویض نشدن ایران برای شکل بندی

سر نوشت خود به طور مستقل و بدون هر گونه مداخله خارجی، از هر طریق، و تعیین مسیر تحول و توسعه خود حمایت میکنند.

آنها تا مسلمانه با تحریکات نظامی، فزاینده اقتصادی و علیه ایران مخالفت می کنند و عملیات نظامی تجاوزکارانه اخیر آمریکا در سرزمین ایران را بعنوان اقدام خشونت آمیز و نقض حاکمیت یک کشور مستقل مستحکم میکنند. در طرف از حل مشکلات و روابط ایران و آمریکا از طریق گفتگو، بر اساس اصول شناخته شده و مساویان حقوق بین المللی عمومی و تقبیح هر گونه اقدام نظامی، استفاده از زور و یا تهدید استفاده از زور حمایت میکنند.

در طرف تلاشهای ناپسند آمریکا را برای مداخله در امور داخلی کشورهای خلق فارس و ثبات قوت ملی این کشورها را مستحکم میکنند و تا مسلمانه با ایجاد بلوک بندی های نظامی-سیاسی و پایگاههای نظامی در این ناحیه مخالفند.

دو کشور ضمن ابراز نگرانی از طرح نیردهای امریالستی برای ایجاد تشنج در جنوب شبه جزیره عربستان، اهمیت گسترش روابط بر اساس حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز را مورد تکیه قرار دادند.

دو کشور ضمن ابراز همبستگی با انقلاب اتریشی، از مبارزه خلق اتریشی برای دگرگون های اجتماعی و تأمین صلح در منطقه حمایت میکنند.

دو کشور لزوم تحکیم هر چه بیشتر نیروهای سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادی بخش ملی را در مبارزه برای آزادی و استقلال خلقها و مبارزه علیه استثمار نو و زنا پرستی مورد تکیه قرار دادند.

اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن اعلام میکنند که برای توسعه و تحکیم همبستگی میان متحدان طبیعی در این مبارزه - کشورهای جامعه سوسیالیستی، کشورهای غیر متعهد و همه نیروهای ترقیخواه - تلاش خواهند کرد.

سمینار بین المللی جوانان و دانشجویان در جمهوری دمکراتیک خلق یمن

بر گزار شد. در این میتینگ از جمله نماینده شورای دانشجویان اتحاد شوروی در سخنان خود گفت:

... در دوران ما، افکار عمومی جهان، بر ویژه نیروهای دمکراتیک و مترقی، نگران تشدید و خاست اوضاع بین المللی، که نتیجه مستقیم سیاست تشدید مسابقه تسلیماتی، تحریک و تشنج اندر آزادی و مداخله در امور داخلی دیگر کشورهای از سوی امپریالیستی آمریکا و دیگر نیروهای ارتجاعی جهان است. این جریان در تشنه های جدید فاق و ابروی غربی بر ویژه علیه انقلاب ایران نمایان است... این تهاجمات صلح، استقلال ملی، حاکمیت و قیامت افری جهان را به مخاطره می اندازد...

چندین ترین این تهاجمات، تجاوز نظامی امریالیم آمریکا به ایران به بهانه آزادی سرگالها است. تهاجمات و اعمال سیاستهای بی رحمانه اقتصادی توسط امریالیم و ارتجاع بین المللی علیه اتحاد شوروی، افغانستان، ایران، کامبوجیه ویتنام و غیره، مائورهای فزاینده درونی در آفریقا، هند و خلیج، تهدید نظامی، تحریم السیخ و غیره اجزاء این استراتژی جهانی را تشکیل میدهند... امریالیم آمریکا و نیروهای ارتجاعی، بر ویژه برای یزید یزوری مردم ایران و اقوام سیاست ضد امریالستی انقلاب ایران و تکیه انقلاب آوریل در افغانستان، تهاجم خود را در منطقه تشدید کرده است.

وی در پایان سخنان خود گفت:

... وقتی عزیزان من بار دیگر در اینجا تکیه می کنم که تهاجمات جدید امریالیم علیه ایران و افغانستان، علیه همه نیروهای مترقی منطقه خلیج و آفریقا، علیه اجزاء یک تشنه واحد جهانی امریالیم و ارتجاع هستند...

در پایان این میتینگ، راه ویژه های خطاب به مردم، جوانان و دانشجویان ایران صادر شد.

در حاضریه سمینار، بحث نمایندگی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در مساجه های تلویزیونی و مطبوعاتی چندی شرکت کرد و به تشریح انقلاب ایران و اشنای تحریکات امریالیم جهانی و رژیم های ضد خلقی نظیر رژیم عراق علیه آن پرداخت.

بحث نمایندگی ایران با نمایندگان جوانان و دانشجویان دهها کشور، از جمله با ریادگری، دبیرکل اتحادیه جوانان سوسیالیست یمن دمکراتیک (اشید) و هیئت های نمایندگی رژیم، نیپل، عراق، عمان، اتوری، جمهوری عربی یمن (شمالی)، یمن دمکراتیک، بنگلادش، هندوستان، عربستان سعودی، مصر و... ملاقات و بیامون سالان جنبش جوانان و دانشجویان و تحکیم هر چه بیشتر مناسبات برادرانه تبادل نظر کرد.

هیئت های نمایندگی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و نمایندگان جوانان دمکرات عراق بیانیه مشترک صادر کردند و طی آن مواضع خود را بیامون سالان جاری جنبش انقلابی و جوانان در کشور بیان داشتند.

سمینار در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ با تسریب یک قلنامه به کار خود پایان داد.

در چارچوب این سمینار مهم بین المللی، در بین میتینگ شعری سازمانهای دانشجویی آسیا نیز برگزار شد. در این میتینگ بیامون مسائل گوناگون جنبش دانشجویی در آسیا بحث و تبادل نظر شد. این میتینگ با تسریب یک قلنامه به کار خود پایان داد.

در سرگونی رژیمهای ضد خلقی و استعمار حاکمیت مردمی، یک پیروزی واقعی برای صلح در منطقه است... ولی امریالیم آمریکا این پیروزی را تهدیدی برای سلطه استعماری خود می داند...

امریالیم و ارتجاع بین المللی، پس از پیروزی انقلابی ایران و افغانستان، با تهاجم اسلام و میدان آمده و به تکرار با صافه - خنجر شوروی، رداخته اند، خواجگری ای که مایه تی آن برای همه خلقهای منطقه روشن است...

علی ناصر محمد، سوس و بررسی وضع جنبشهای انقلابی در کشورهای عربی، آسیای جنوب شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین پرداخت و اهمیت شرکت هر چه گسترده تر جوانان و دانشجویان را در مبارزه علیه امریالیم و مداخله در امور داخلی و ترقی اجتماعی خاطر نشان ساخت و سخنان خود را با شعارهای: زنده باد اتحاد جهانی و دانشجویان شرقی جهان!

زنده باد اتحاد جنبش بین المللی! زنده باد همبستگی بین المللی!

به پایان رسانید. سمینار با سخنرانی های نمایندگان سازمان های جوانان و دانشجویان جهان ادامه یافت.

نمایندگان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در سخنان خود، سخن اشاره به اهمیت جهانی این سمینار در تحکیم اتحاد جوانان و دانشجویان سراسر جهان در مبارزه مشترک علیه امریالیم و ارتجاع و مداخله ایجاد جامعه نوین، بیامون انقلاب ایران و توطئه ها و تحریکات امریالیم جهانی، پس گردگی امریالیم آمریکا علیه آن پرداخت و همبستگی خلقی بین جوانان و دانشجویان مترقی ایران را با مبارزات عادلانه و مترقی خلقها، جوانان و دانشجویان سراسر جهان اعلام داشت.

نمایندگان سازمان جوانان دمکراتیک افغانستان در سخنان خود حمایت مردم و جوانان افغانستان را از انقلاب ایران اعلام داشت و نسبت به تحکیم مناسبات برادرانه خلقها، جوانان و دانشجویان در کشور ابراز امیدواری کرد.

نمایندگان سازمان جوانان اتوری گفت:

... مردم و جوانان اتوری قاطعانه پیوسته نظامی اشغالگر امریالیم آمریکا به ایران و مستحکم می کنند و آن را جزئی از توطئه های امریالیم جهانی، پس گردگی امریالیم آمریکا علیه انقلابی و راهی بخش خلقهای کشورهای در حال رشد می دانند.

نمایندگان جامعه دانشجویان کرد در اروپا، در سخنرانی خود درباره انقلاب ایران، چنین گفت:

... پس از پیروزی انقلاب خلقی در ایران، امریالیم به تهاجمات عدیده علیه آن دست زد و رژیم ارتجاعی و ضد مردمی عراق نیز در این تهاجم به بازی امریالیم برخاست... امریالیم آمریکا می گوشت تا با انواع شایعی و تحریکات انقلاب ایران را شکست دهد...

نمایندگان ملیونها جوان و دانشجویی سراسر جهان در سخنرانی های خود، همگی بر ضرورت تحکیم مناسبات، ضرورت تحکیم بیوندی برادرانه در نبرد سر و سرستاز علیه امریالیم و ارتجاع بین المللی و بشکل ایجاد جامعه ای نو، فارغ از استثمار و استبداد سخن گفتند.

در چارچوب سمینار میتینگ همبستگی با خلقهای جهان در مرحله باکسازی، علاوه بر پاک کردن دستگاه دولتی از عناصر ضد انقلابی و با با تهاجم (عناصر بالفوه شده انقلابی از سوابق آنها در رژیم پیشین قابل شناسایی هستند)، باید دستگاه دولتی را تا میزان احتیاج و برای تأمین همگرا آن کوچک کرد. دستگاه دولتی کنونی که در مجموع از رژیم پیشین باقی مانده، دستگامی است و مردم کرده و در نتیجه دچار قساصی پانزی و فوق العاده لغت. غیر از ارتش و دیگر نیروهای مسلح، دستگاه دولتی کنونی دارای یک میلیون و سه صد هزار نفر کارمند است که ناگفته بیادست، از لحاظ کثرت تعداد هیچ تقاسمی با نیازمندیهای واقعی یک دستگاه دولتی صحیح ندارد. بدون سبک کردن دستگاه دولتی از بارگران کارمندان زائد، نوسازی این دستگاه، بنوعی که بتواند پاسخگویی تحریک ضرورت و مورد نیاز پیشبرد امور باشد، ممکن نیست.

در مرحله باکسازی ملایک عمده تقشیم اینکه کدام کارمند باید کنار گذاشته شود و کدام در دستگاه دولتی باقی بماند، البته باید اولویتی، نمی تواند باشد.

از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، در عدن، پایتخت جمهوری دمکراتیک خلق یمن، سمیناری با شرکت نمایندگان ۶۰ سازمان بین المللی، منطقه ای و ملی از ۳۴ کشور جهان برگزار شد.

این سمینار به دعوت فدراسیون جهانی جوانان دمکرات (WFDY)، اتحادیه بین المللی دانشجویان (IUS) و اتحادیه جوانان سوسیالیست یمن دمکراتیک (اشید) برگزار شد و شرکت کنندگان بیامون مسئله «خلق جوانان و دانشجویان و سازمانهای آنها در مبارزه با مداخله استقلال ملی و دگرگونی اجتماعی-اقتصادی مترقی در کشورهای رشد یافته، به بحث و تبادل نظر پرداختند.

شرکت کنندگان در سمینار مباحث خود را بر روی دو مسئله متمرکز ساختند:

۱- نقش جوانان و دانشجویان در مبارزه با مداخله تحکیم استقلال ملی، حاکمیت بر منابع طبیعی، تسامح اجتماعی-اقتصادی و دمکراتیزه کردن جامعه.

۲- نقش جوانان و دانشجویان در مبارزه با مداخله بازسازی مناسبات بین المللی اقتصادی بر یک مائولوه عادلانه و برابر حقوق.

شرکت کنندگان در سمینار به مسئله تجارزات امریالیم جهانی، پس گردگی امریالیم آمریکا علیه مبارزات عادلانه خلقی، جوانان و دانشجویان، انقلاب ایران و مبارزات «جوانان» مردم ایران علیه امریالیم جهانی، پس گردگی امریالیم آمریکا، بر ویژه مورد توجه جدی نمایندگان جوانان و دانشجویان جهان قرار داشت.

از ایران رفقا عبدالله شهبانزیر پیشرو شناسایی، به نمایندگی از سوی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، در این سمینار شرکت جستند.

در مراسم افتتاح سمینار، نخست پیامهای فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، اتحادیه بین المللی دانشجویان و اتحادیه جوانان سوسیالیست یمن دمکراتیک قرائت شد. سپس سمینار با سخنرانی علی ناصر محمد، دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن-دمکراتیک، صدر گفتار و سخنرانی عالی خلق و صدر شورای وزیران جمهوری دمکراتیک خلق یمن کار خود را آغاز کرد.

علی ناصر محمد، در سخنان خود به وضع بین المللی منطقه، مبارزات خلقها برای استقلال ملی و ترقی اجتماعی اشاره کرد و گفت:

... امریالیم آمریکا سالیهاست که در منطقه به خرابکاری مشغول است. ابروی تیره اشیت و لبات منطقه را تهدید می کند... اخیرا جبهه ایان خیر جهان و جنبه امریالیم آمریکا علیه مردم ایران را شنیدند... توطئه های امریالیم آمریکا علیه مردم یزوزند ایران منجر به انجام چنین عمل اشتباهی شده، عملی که توسط یمن دمکراتیک و همه خلقهای آزادی دوست و همه نیروهای صلح در سراسر جهان، به طایفه یک خلق جدی برای مناسبات بین المللی مستحکم گردید.

تسوس صلح و لبات در منطقه وظیفه همه خلقها و دولتهای منطقه است. و ما در یمن دمکراتیک در انجام این وظیفه از سیاست همزیستی مسالمت آمیز، ایجاد مناسبات حسن همجواری و همکاری متقابل بر شالوده احترام متقابل به حاکمیت ملی و استقلال و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر پشتیبانی می کنیم. ما مستحکم که پیروزی کبیر مردم ایران و افغانستان

پاکسازی کامل دستگاه دولتی... دولتی، میتوان گفت در انتظار اجرای کامل و صحیح باقی است. هدف از پاکسازی باید تدارک نوسازی دستگاه دولتی، چه ارتش و دیگر نیروهای مسلح و چه همه ادارات دولتی باشد. در مرحله پاکسازی، بدینجه است که دستگاه دولتی باید از عناصر سواستی، از تمام عناصر فعال دوران طاغوت، پاک شود. انجام این کار دشمنی است، زیرا این عناصر عموماً شناخته شده هستند، و اگر برخی از آنها نیز تغییر رنگ داده باشند، به هولت میخوان آنها را با بهره گیری از نظرسنجار مستدل اکثریت افراد قشر پایین کارمندان شناخت. مهم این است که کمیسیونهای مأمور پاکسازی چنان انتخاب شوند که خود آنها نیاز به پاکسازی نداشته باشند. در غیر اینصورت ما در آینده نیز، مانند گذشته، با پدیده های دوپروخواهی شد از قبیل قراگرفتن فلان ساراکی و یا شاد انقلابی در مقامهای نظیر معاون وزیر و فرماندار و شهردار و غیره.

در کنفرانس بین المللی...

علت این مراسم یک مسئله است. آمریکا کاملاً روشن و شهود است. آنها آنچه درباره ایران و تجارزات تهاجمی بحق حاکمیت ایران، درباره واکنش انقلاب ایران، از طریق رسانه های گروهی تحت سلطه خود به افکار عمومی جهان و مردم آمریکا گفته اند، سرایا دروغ، سخنان واقع و منابر با حقایق بوده است. آنها بر ویژه درباره رابطه غارتگرانه خویش با کشورهای رده یافته اند. آنها می ترسند، از خشم مردم جهان و ملت خود که در هر - گرفته و فرات آنرا داده است، بترسند. بپسین دلیل بر دولت ایران است که در متیاس جهانی جنایت امریالیم آمریکا را افشا کنند.

ما بار دیگر نظر خود را درباره مسئولیت صدا و سیاه جمهوری اسلامی ایران برای منکس ساختن جریان این کنفرانس در متیاس جهانی تکرار می کنیم که: نقش تلویزیون بخصوص در اینجا می تواند بسیار مؤثر باشد. تلویزیون باید بطور وسیع تهاجمی جریان کنفرانس را، در تمام ساعاتی که کار کنفرانس ادامه دارد و بدون وقفه، بخش کند. تلویزیون باید به هم رسیده منکس شود که جریان کنفرانس، نه تنها در محدوده ایران، بلکه در سراسر جهان پخش شود.

در اینصورت مردم آمریکا نیز خواهر-خواهر در جریان این رسیدگی قرار می گیرند. این کاری است بسود مستضعفین خود آمریکا، بسود مستضعفین جهان س- مایه داری، که زیر ستم چاهرانه امریالیم آمریکا قرار دارند.

تحریکات و...

بقیه از صفحه ۱

کریستان ایران، با خرابکاری فامه خار در خوزستان و از سوی دیگر با تبلیغات زهر آکین و مبتذل علیه انقلاب، همه توجه و دقت نهارهای انقلاب و مناسبات دولتی جمهوری اسلامی ایران را به این منطقه جلب و متمرکز سازند. مانع اقدامات سازنده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران شوند، ناراضی ها را دین زنده، تا انقلاب ایران و دستاوردهای آنرا متزلزل و آسیب پذیر کنند.

فامه دردم بکرات و برتری از روی مسیحه و تهنه انگیزیهای دشمنان اصلی امریالیم آمریکا و مداخلات داخل پرده برداشت، و هشدار لازم را داده است. اکنون نیز همه شواهد و قرائن دلالت بر این دارد که 'ین گسترش و مدیریت تجارزات بی دینی دولت پشت عراق، بر ردهای زمین و هوایی ایران زمین و مقدمه ضریب جدیدی است که امریالیم در این شرایط، هر اقدامیکه منجر به تفرقه نیرها و تشدید اختلافات بشود، با هر نیت و زیر سر عنوان صورت بگیرد، فقط بضرر انقلاب و مردم ایران و به نفع دشمن اصلی حسمه - امریالیم آمریکا است.

توضیح لازم

پانداست زیر از جانب آقای غنی ولوریان به دفتر حزب توده ایران در دهمستان مهاباد رسیده است.

در مطلب مندرج در نامه مردم، شماره ۲۲۶، درباره اعلامیه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران، ذکر دو نکته را ضروری میدانم:

۱- در اعلامیه در نامه مردم، به درخواست شخص آقای غنی ولوریان بوده و نه آقای بلوریان و عده ای از اعضاء کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران.

۲- امضای چریکهای فدائی خلق در زیر پیام مربوط به سازمان مرکزی چریکهای فدائی خلق ایران بوده و نه چریکهای فدائی خلق - شاخه کردستان.

بدینوسیله هر دو مورد تصحیح میگردد.

توجه!

جلسه پرسش و پاسخ پنجشنبه این هفته، به مناسبت ۱۵ خرداد تشکیل میشود.

ما درباره لزوم پاکسازی دستگاه دولتی (وازیله و بر ویژه ارتش) تاکنون بکرات سخن گفته ایم. غرض از نبرد اخذن مسجد به این موضوع اینست که با دستگیر مودک آباد آرزوییم که امر پاکسازی و تدارک نوسازی و نوسازی هر چه ممکن است سریعتر دستگاه دولتی، از ضروریات است که غفلت و غماز بیشتر در انجام آن، می تواند منشاء خطر جدی برای انقلاب باشد.

بلکه ملایک عمده تشخیص باید موضوعی سیاسی فرد، قهر فور نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد. این ملایک عمده تشخیص نمیتواند گرایش ایدئولوژیک باشد، نه نقطه بدلیل اینکه تقشیم عقاید طبق قانون اساسی ممنوع است، بلکه باین دلیل که طبق قانون اساسی باید ایدئولوژی میهنی، برای انجام کارمشتمل لایق باشد و یا نباشد.

بمنظر مردم توضیح واضح است اگر بگوئیم که کارمندی، قیطر نظر از عقاید نفسی و جهان بینی اجتماعی خود، چنانکه موضعگیری سیاسی «مستوفعالی» در قبال انقلاب داشته باشد، یعنی مائولاه به نبره و در عمل ثابت کرده باشد و یا ثابت کند که نخواهد به انقلاب ایران خدمت کند، و نیز چنانچه دارای تفصیح و تجربه کارایی کافی برای انجام وظیفه محوله داشته باشد، چنین کارمندی را باید در دستگاه دولتی نگاهداشت و از فعالیت منبرختش او به سود پیشبرد انقلاب واجری تأدیر دولتی در جهت تأمین و تحکیم استقلال همه جانبه و نریادی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان بهره برداری کرد.

در مرحله باکسازی ملایک عمده تقشیم اینکه کدام کارمند باید کنار گذاشته شود و کدام در دستگاه دولتی باقی بماند، البته باید اولویتی، نمی تواند باشد.

این همان خط ((گام به گام)) نیست؟!

آقای منصور فرهنگ، نماینده ایران در سازمان ملل متحد دو مصاحبه، یکی با روزنامه کیهان (۵۹۲۳۳۱) و یکی با روزنامه انقلاب اسلامی (۵۹۲۳۳۰) انجام داده‌اند، که مضمون کلی آنها بخلافت با «گروگانگیری» جاسوسان آمریکایی، مخالفت با محاکمه آنها و از راه‌دلیل در جهت اثبات لزوم آزادی آنها است. ملازم میدانیم مطالبی در مورد بررسی قرار دهیم، چون بیانات ایشان بسیار زیاده‌بار است و نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نسبت به آمریکا ارتباط مستقیم دارد.

ولی قبل از بررسی اظهارات ایشان، ابتدا لازم میدانیم به دو نکته اشاره کنیم: نکته اول اینکه، نظر ما، هر شخصی و یا شخصیتی که مقام رسمی نباشد، حق دارد نظرات شخصی خود را در مورد هر مسئله، از جمله مسائل سیاسی، مانند مسئله «گروگانگیری» و غیره بیان دارد. ولی بیانات یک مقام رسمی باید انمکس و در جهت سیاست دولت ستیومی باشد که آن مقام نماینده و سخنگوی آنست. آقای منصور فرهنگ متأسفانه در بیانات خود این اصل را رعایت نکرده است. اظهارات غیررسمی از جانب یک مقام رسمی (که متأسفانه گوی معمول شده) بدینوسیله است که باعث اغتشاش در افکار مردم نسبت به سیاست رسمی میشود و این سؤال را در افکار عمومی مطرح میکند: پس سیاست رسمی چیست و آیا اساساً یک سیاست رسمی سنجیده وجود دارد یا نه؟

نکته دوم اینکه آقای منصور فرهنگ اظهار داشته‌اند: «نظری که دکتر یزدی در این مورد (در مورد گروگانها و محاکمه آنها) داده ... نظر درستی است. ما باید آمریکا محاکمه کنیم نه گروگانها را». پاسخ بدان انتساب با خود آقای دکتر یزدی است. اما آقای دکتر یزدی در مصاحبه منمسی که با روزنامه کیهان انجام داده‌اند و در شماره ۲۷۲۷ این روزنامه چاپ شد و مایخسبانی از آنرا در مورد محاکمه گروگانها و آمریکا در نامه «مردم» (۵۹۲۳۱) بازگو کردیم و مورد تأیید قرار دادیم، اظهار داشته‌اند که:

«... محاکمه آمریکا نمیتواند و نباید به معنای محاکمه همین چند نفر آمریکایی گروگان باشد، بلکه محاکمه این گروگانها (باید) عقیده و پهنای برای عملکرد ۳۶ ساله دولت آمریکا در ایران باشد... ممکن است محاکمه اصلی (محاکمه آمریکا) با محاکمه گروگانها شروع شده و گروگانها بتوانند شهود در محاکمه حاضر شوند. اما بهر حال باید محاکمه صورت پذیرد. هر گونه اشتباهی در این مورد یک اشتباه و یک خیانت بزرگ تاریخی خواهد بود. آزادی گروگانها بدون محاکمه آمریکاییان اشتباه است. محاکمه گروگانها که صرفاً محاکمه خود آنها باشد، اشتباه است. محاکمه گروگانها به شرط محاکمه شاه در دادگاه بین‌المللی نیز اشتباه است...»

بدینسان نظری که آقای دکتر یزدی در این مصاحبه اظهار داشته‌اند، مبنی بر لزوم محاکمه گروگانها است. منتها چنان محاکمه‌ایکه صرفاً محاکمه خود گروگانها نباشد، بلکه مصلح محاکمه عملکرد آمریکا در ایران، در مدت ۳۶ سال سلطه این امپریالیسم هارو جهانخواهر بر کشور ما ارتقاء یابد.

بسخن دیگر، اگر محاکمه گروگانها مقدمه محاکمه آمریکا باشد، ما باید این نظر موافق و آنرا تأیید میکنیم.

اینکه به بررسی اظهارات آقای منصور فرهنگ میپردازیم، برخی از این اظهارات را بازگو میکنیم:

«مسئله گروگانها (گروگانگیری) از دیدگاه قانونی و معنوی قابل دفاع نیست... اما بیستم چگونه مساله را، که بهر حال پیش آمده، در چارچوب هدفهای معنوی و سیاسی و اقتصادی خود حل کنیم... باید آمریکا محاکمه کنیم نه گروگانها را، چون گروگانها نماینده آمریکا نیستند. بجز در مورد چهار یا پنج نفر آنها که استثناً در دست است، بقیه کارمندان نون پایه و عدهای مامورین حفاظتی میباشند، که از طبقات محروم آمریکا هستند. بنابراین ما نمیتوانیم آنها را بعنوان افراد نمایندگان امپریالیسم بدانیم.» (کیهان ۵۹۲۳۳۱)

«گروگانگیری بهانه فریبندگی بدست دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم داده که افکار عمومی آمریکا و حتی اروپا را علیه ما

گروگانگیری انجام نمیگرفت، نه دستگاه تبلیغاتی آمریکا علیه ایران به چرخش میافتاد، نه آمریکا درصدد «ضعیفه انقلاب ایران برمی‌آمد، نه تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا مطرح و اعمال میشد، نه اروپای غربی و ژاپن و کانادا و استرالیا با آمریکا همکاری میکردند، نه سیاست آمریکا به راست گرایش پیدا میکرد... خلاصه امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، کمترین اقدامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام نمیداد، آمریکا محققان نوین مولود انقلاب ایران را با طبع خاطر می‌پذیرفت و امپریالیسم آمریکا، دیگر امپریالیسم آمریکا نمی‌بود و مساله هیچ زغدغهای از جانب آمریکا نمیشد! اگر اظهارات آقای فرهنگ را بپذیریم، آنگاه باید قبول کنیم که: خصوصاً آمریکا نسبت به قبل از گروگانگیری برای تیسر نبود، برای جلوگیری از زیات سیاسی و اقتصادی ایران برنامه‌ریزی کنند.» (همانجا)

«آمریکا از مسئله گروگانگیری بهره برداری وسیعی کرده است و علی‌رغم موضوع رسمی دولت آمریکا، عوامل و عناصر باطنی در آمریکا مایل به حل مساله گروگانها نیستند، چونکه تاکنون گروه‌های مرتجع از آن استفاده کرده‌اند.»

و از نظر اقتصادی بعمده آقای فرهنگ: بعد از قطع رابطه با آمریکا، اروپا مایل است که تمام کالاهای مورد نیاز ما را بیا بفرشد، اما از آنجا که مساله گروگانها برای مردم اروپا، چه از نظر قانونی و چه از نظر انسانی غیر قابل قبول است، لذا آمریکا توانسته است که با تبلیغات وسیع و حسابگرانه افکار عمومی اروپا را بر علیه ایران تقویت کند، تا دولتهاشان را وادارند که در تحریم اقتصادی بر علیه ایران شرکت کنند. بدین دلیل است که کشورهای اروپایی علیرغم منافع خودشان تا حدی ناچار به انجام این کار شده‌اند.» (همانجا)

«ما برای مواد اولیه، برای کود شیمیایی و برای بسیار کالاهای دیگر احتیاج به دنیای صنعتی، اروپا، ژاپن، آمریکا و بالاخره به دنیای صنعتی داریم و خودکف شدن هم هدفی نیست که بشود یک شبه بدان رسید. امروز می‌بینیم کالاهای که آمریکا بطور مستقیم با ما می‌فروشد، به شخص ثالثی مانند عمان، قطر و کویت و کشورهای مشابه داده میشود و با ۱۰ تا ۲۰ درصد گرانتر به ما تحویل داده میشود... ما در واقع سر خودمان کلاه میگذاریم.»

(انقلاب اسلامی، ۵۹۲۳۰)

«در دهه اخیر که بین آمریکا و اروپا رقابت اقتصادی وجود داشته و مردم اروپا همیشه از دولتهای خود خواسته‌اند که از آمریکا متاثر نباشند و در برابر بر قدرت آمریکا مقاومت نشان بدهند، برای اولین بار است مسئله گروگانها افکار عمومی کشورهای اروپایی را با آمریکا هم‌آهنگ کرده، که دولتها و کمیتهای بزرگ، علیرغم منافع اقتصادی خود، مجبور شده‌اند که به فشارهای آمریکا توجه کنند و در تحریم اقتصادی (ایران) شرکت کنند.» (همانجا)

و اما در مورد هدف تهاجم نظامی دولت آمریکا به ایران، که تا فرجام شده، و اظهارات مقامات رسمی آمریکا، که این تهاجم در آینده نیز علیه ایران انجام خواهد کرد، آقای فرهنگ میگوید:

«هدف اصلی کارتر در تجاوز نظامی ایران و مطالبی که پس از شکست این تجاوز (در باره تجاوزات نظامی آینده) مطرح کرده، مربوط به موقعیت و برنامه انتخاباتی خودش بوده است.»

تیجه؟

«من (منصور فرهنگ) اعتقاد دارم ادامه این تهاجم (گروگانها) بی‌چوجه با منافع ما سازگار نیست. باید این آزادی بین‌المللی (!) که دچار شده‌ایم، ازین یرون، باید اجازه ندیم که امپریالیسم آمریکا از یک بهانه قابل قبول استفاده کند که بخواهد انقلاب را تضعیف کند. حقیقت (بنظر آقای فرهنگ) اینست که آمریکا هیچ علاقه‌ای به آزادی گروگانها ندارد، چرا که میلیتاریسم، میا، گروههای دست راست و فاشیسم در آمریکا قوت گرفتند و سیاست آمریکا شدت بطرف راست گرایش پیدا کرده.»

اگر اظهارات آقای فرهنگ را بپذیریم، آنگاه باید قبول کنیم که: چنانچه

در جنگ دوم جهانی بکار رفته بود، «انجام وظیفه در راه آزادی» خلق ویتنام از جنگال کمونیسم! کجاست آن جنایات فجیعی که امپریالیسم بنام «آزادی» ویتنام «انسانیت» انجام نداده باشد، و کجاست آن واکنش برحق و عادلانه و انسان دوستانه خلقها، که از جانب امپریالیسم بدمنش «فیرانسانی» قلمداد نشده باشد.

عمل «گروگانگیری» بدست امپریالیسم آمریکا «بهانه» داده است؛ اگر این «بهانه» نبوده مگر آمریکای جنایتکار برای توجیه اقدامات خود علیه انقلاب ایران «بهانه» دیگری نمی‌یافت؟

مگر مجازات چند جنایتکار طغوفی از نوع نصیرینا و هویدها، برای امپریالیسم آمریکا «بهانه» نشده که فریاد برآورد «رژیم خبیثی رژیمی تروریستی» است، «فیرقانونی و غیرانسانی» است؛ مگر رژیم آئند گروگانگیری کرده بود، مگر رژیم مصدق گروگانگیری کرده بود، مگر در ویتنام خود آمریکا توپک «خلیج تونکن» را پدید آورد تا «بهانه» حمله به ویتنام دموکراتیک را بدست آورد؟

شما «بهانه» ندهید، امپریالیسم هارو جنایتکار آمریکا خود «بهانه» خواهد ساخت. بزرگترین «بهانه» آمریکا خود انقلاب ایران است، و اگر قرار بود که با برای ندان «بهانه» مداخله آمریکا در ایران، دست روی دست بگذاریم و با این قدرت جهانخواهر به بازی نپردازیم، اساساً میبایستی انقلاب تکمیل، میبایستی «یک شرطیت بدون شاه» بدست کنیم یا تضمین منافع غارتگرانه آمریکا در ایران!

افکار عمومی در آمریکا و اروپای غربی علیه انقلاب ایران پختم آمده است؛ تا حدودی آری. ولی مگر این خشم حاصل دستگاه تبلیغاتی عظیم امپریالیسم نیست که بلافاصله بعد از انقلاب ایران و حتی در جریان نفع و امتیاز آن به چرخش افتاد و نه فقط بعد از «گروگانگیری»، هدف از این تبلیغات، ترویج افکار عمومی علیه انقلاب ایران است، تا هر عمل توطئه گرانه و هر تجاوزی که از جانب آمریکا، همراه با متحدان دست نشانده گانش، علیه انقلاب مارچسوری اسلامی ایران انجام گیرد، «توطئه» واقع شود. تازه امپریالیسم، آنگاه که بناقض اقتضا کند، کمترین توجی به این «افکار عمومی» ندارد، زیرا هر لحظه، با دستگاه تبلیغاتی عظیم فریبکار خود، میتواند افکار عمومی دیگری در جهت توجی سیاست خود بسازد. بعنوان مثال در انگلستان، همین دستگاه تبلیغاتی، خشم مردم را بیضی از هر کشور دیگر اروپایی علیه انقلاب ایران بسیج کرده بود، ولی دولت انگلستان تا گمان اعلام کرد که تصمیمات کنفرانس ناپلیرا در مورد تحریم اقتصادی ایران، که خود پیشنهاد کرده بود، اجرا نخواهد کرد، دولت انگلستان، مانند هر دولت امپریالیستی دیگر، مجری اراده انحصارات امپریالیستی است و نه افکار عمومی.

بین دولتهای امپریالیستی - مجریان اراده انحصارات امپریالیستی - تضاد وجود دارد؛ تا حدودی آری. ولی این تضاد یار قابت، در دهه اخیر، آتم «برای اولین بار» پس از «گروگانگیری» بوجود نیامده است. این تضاد بر سر غارت جهان و تقسیم غنایم، از آغاز سرمایه‌داری و سرمایه‌داری امپریالیستی بوجود آمده و گاه حتی به چنگ بین آنها منجر شده است. ولی دولتهای امپریالیستی، که بر سر سلطه بر خلقها و غارت آنها با یکدیگر تضاد و رقابت دارند، آنگاه که مسئله بر سر سرکوب جنبش آزادیبخش ویا انقلاب رها میبخش بیوزمنند خلقی مطرح است، با یکدیگر متحد میشوند. از اینروست که دولتهای اروپای غربی، ژاپن، کانادا و استرالیا برای تحریم اقتصادی ایران و برای هرگونه عمل دیگری که بتواند انقلاب ایران را درهم بشکند، دست دردمست آمریکا میگذارند و در چهارچوب امکان، از تضاد منافع انحصاراتی که مجری اراده آنها هستند، صرف‌نظر میکنند. بالاتر از آن، دولتهای امپریالیستی و در رأس آنها آمریکا، حتی میتوانند از منافع فعلی خود برای منافع آتی خود، که بزرگتر باشد، تا حدودی و تا زمان مبنی صرف‌نظر کنند.

تحریم اقتصادی ایران امروز البته به منافع آتی خود آنها نیز زیان وارد میکند، ولی اگر انقلاب ایران را بتواند درهم بشکند، مجدداً سلطه غارتگرانه خود را در ایران برقرار سازند، آنگاه این زیان موقت را

بر قرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مهندسان و کارگران ایرانی میتوانند پتروشیمی ایران - ژاپن را بر عهده گیرند

قراردادهای یک جانبه تحصیل شده از جانب انحصارهای تک ملیتی و چندملیتی یکی دیگر از مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم. هم اکنون در طرح پروژه ناتمام در سراسر کشور وجود دارد، که در صورت تعیین تکلیف آنها، میتواند گرهی از مشکل اشتغال بگشاید. چندی پیش ما درباره یکی از این قراردادها - مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن، در نامه «مردم» نوشتیم و با ارائه ارقام انکارناپذیر خصلت نواستعماری آنرا فاش ساختیم. در این مقاله ما خواستار اتمام قرارداد شدیم. متأسفانه برخیها مسئله الفای قرارداد را با ادامه کار ساختمان این مجتمع بزرگ «مستجاب» کردند و به ما خرده گرفتند! معلوم نیست که خرده گیران یا رسیدگی به تخلفات و تقلبات دوران طاغوت موافقند یا نه. و آیا خواست دایر به تجدید نظر در قراردادهای تحصیلسی امپریالیسم، دلیل کارشناسی و موافقت با امپریالیسم است، یا در جهت مبارزه ضد امپریالیسم؟ آنچه ما درباره طرح پتروشیمی ایران-ژاپن نوشتیم، فقط گوشه‌ای از غارتگریهای انحصارهای ژاپنی است. پس از انتشار آن مقاله، یکی از مهندسين ميپرسد: «انحصار جوانب دیگر دولسوزی» انحصارهای ژاپنی را برای ما ارسال داشته، که در زیر از نظر خوانندگان میگذرد:

شرکت ژاپنی میتسوبی الکتریک، یکی از سه پیمانکار طرح تولید و انتقال نیروی تهران-نکا است. این شرکت دهها کارخانه بزرگ تولیدی را در ژاپن در کمک خویش دارد و گذشته از فروش همه نوع وسائل (از چرخ خیاطی گرفته تا ایستگاههای رادار و لوازم فشار قوی)، مطالعه کاری طرحهای بسیاری را، به ویژه در «جهان سوم» به خود اختصاص داده است. طرح ساخت، اجرا و نصب کامل پستهای طرح تهران-نکا برعهده همین شرکت است. حتی طرح زده کشوریست و ساختمان تکپایه را هم پیمانکار تهیه می-کند. و این در حالیست که قسمت اعظم این نوع طرحها نه در ایران و یا کمک ایرانیان، بلکه در ژاپن انجام میشود. ظاهراً دلیل عمده رژیم مخلوع از واگذاری کامل این نوع طرحها به انحصارهای امپریالیستی باصلاح عدم پیشی فنی مهندسين و استادکاران ایرانی ذکر میشود. حال به پیشی آیا این انا صحت دارد؟ از نظر ساخت وسائل و تجهیزات، پستهای فشار قوی به دو گروه تقسیم میشوند. گروه اول آنهايي هستند که در دیگر موسسات صنعتی و حتی غیرصنعتی هم مورد استعمال دارند و بسیاری از آنها در حال حاضر در ایران تولید میشوند. ولی شرکت ژاپنی همه این وسائل (در مواردی حتی در ونچره و میخ را) از کشور خودی وارد می کند.

اما گروه دوم، تجهیزات مخصوص پستهای فشار قوی است که فعلاً، باز در توجه کارشناسی امپریالیسم، در ایران تولید نمی-شود. از نظر طرح، مهندسين ایرانی بارها قابلیت خود را، حتی در شرایط سخت رژیم شاه مخلوع بدنیوت رسانده اند. طرح پستها، به طور عمد شامل طرح ساختمانها و فونداسیونها، طرح سازههای فلزی، طرح مدارهای فشار قوی و طرح سیستمهای حفاظت و فرمان است. کلیه این امور در ایران عملی است. مهندسين ایرانی این نظر را در محاسبات و طراحی ساختمانها و فونداسیونهای طرح تهران - اسفهان عملاً به ثبوت رسانده اند. این طرح که توسط مهندسين شرکت دولتی سباب پیاده شده، قریب دو سال است که کار میکند. ممکن است کسانی پیشا شوند و خرده بگیرند که این نوع طرحها داشته است. ولی چه باید کرد؟ مگر طرحهای پیاده شده از طرف انحصارهای خارجی چنین اشکالاتی ندارند و اصولاً، که چه زمان ایرانیان باید خود دست اندرکار شود؟

مورد بهره برداری واقع میشوند. در صورت خرید چنگانه لوازم فشار قوی و غیره، مهندسين، استادکاران و کارگران ایرانی قادر بودند که این بار نیز طرح، نصب، آزمایش و بهره برداری را خود بپیاده گیرند. تبلیغات گسترده دوران طاغوت چنین توهمی بوجود آورده که گویا انحصارهای خارجی «تمیز» و «دلوزانه» کار میکنند. بررسی کارهای میتسوبی، نشانگر آستکه انحصارهای خارجی، چه در طرح، چه در اجرا و چه در پیش بینی مسائل بهره برداری، تا آنجا که بتوانند، نسبت به مسائل فنی و ایمنی بی توجه اند. مثلاً، بارها دیده شده که هدف «میتسو-یچی» فقط، تحویل پستها به صورتی است که در دوره تحویل موقت، اشکال عمده ای که موجب دردرس خودش باشد، وجود نیاید. مالا اصول فنی و ایمنی آنطوریکه باید و شاید در نظر گرفته نمی-شود و بسیاری از نارسائیا بهنگام بهره برداری بروز می کند. چنین نارسائیهایی هم در طرح تهران-نکا و هم در پستهای دیگری که این انحصار ژاپنی ساخته، به چشم میخورد. پستهای خوزستان - اراک نمونه جالبی در این زمینه است. اشکالاتی که در این پستها مشاهده میشود آنقدر زیاد است که حتی ذکر فهرست وار آنها در اینجا امکان پذیر نیست. چنین شیوه کار منتهی انحصار ژاپنی نیست و در مورد دیگر انحصارهای خارجی نیز صادق است. وضع اسفناک برق ایران

در مجموع خود، که زائیده وضع ناپسندانه تک-ملتی نیروگشاهها، پستها، خطوط انتقال و غیره است، گواه گویایی برصحت این نظر است. انحصار ژاپنی «میتسوبی» بخش اعظم کارهای اجرائی را به مقاطعه کاران دست دوم از قبیل شرکت ایتالیایی «مادامی» شرکت سنگاپوری «چورتک» و شرکت های کوچک ایرانی سپرده است. این شرکتها نیز به نوبه خود، کار را به پیمانکاران دیگر محول کرده اند که تا کزیر کیفیت کار را پایین می آورد. چنین است گوشه دیگری از عملکرد انحصارهای ژاپنی در ایران. حال اگر گفته شود، که این قرارداد باید ملغی شود به معنای آستکه مجموعه کار باید متوقف گردد، بدیهی است منظور از الفای قرارداد، قطع دست انحصارگران خارجی و سپردن اداره امور بدست ایرانیان است. آیا مهندسين و کارگران ایتالیایی و سنگاپوری دلوزتر از مهندسين و کارگران ایرانی هستند آنجا که متخصصین ایرانی میتوانند خود اجرای طرحها را با عصبه های خارجی بپسند. و اما در مورد مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن نیز هدف الفای قرارداد مربوط به سپردن شدن انحصارهای ژاپنی بود. روشن است، که موسسه پتروشیمی را میتوان بدون کمک ژاپنیها نیز ادامه داد و با سرعت بیشتر از مرحله احداث به مرحله بهره برداری رساند.

درجهان سوسیالیسم

نمودارهای رشد اقتصادی واجتماعی اتحادشوروی طی پنجاه سال

جدول زیر مهمترین نمودارهای رشد اقتصادی واجتماعی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را در سالهای ۱۳۰۷-۱۳۰۷ نشان میدهد. برای نمونه، چنانچه فر آورده اجتماعی ناویژه را در سال ۱۳۰۷ برابر با یک فرض کنیم، این یکصد سال ۱۳۵۷، یعنی ۵۷ برابر شده است. نمودارهای دیگر نیز همین ترتیب قابل تعبیر است.

مهمترین نمودارهای رشد اقتصادی واجتماعی اتحاد شوروی (۱۳۰۷=۱)

۱۳۰۷	۱۳۱۹	۱۳۴۹	۱۳۵۷
۱	۲/۵	۳۷	۵۷
۱	۵/۱	۴۵	۶۸
۱	۶/۵	۷۷	۱۲۸
۱	۱/۳	۲/۹	۳/۴
۱	۲/۳	۱۵	۲۳
۱	۳/۰	۷/۹	۹/۵
۱	۳/۱	۱۵	۲۳
۱	۱/۷	۲/۷	۵/۹
۱	۲/۵	۱۱/۱	۱۵/۵

درجهان سرمایه داری

کاهش قدرت خرید کارگران در ایالات متحده آمریکا

در اقیانوس توأم، قدرت خرید کارگران ایالات متحده آمریکا در ۱۶ سال پیش بنحوی بسیار روبه کاهش بوده است. بکار ارض «وزارت کار»، درآمد کارگران در بخش خصوصی در فوریه امسال، ۷/۳ درصد کمتر از رقم فوریه ۱۹۷۹ بود. این کاهش، از زمانیکه «وزارت کار» آمریکا در سال ۱۹۶۴ شروع به انتشار آمار در باره قدرت خرید کرده، بی نظیر بوده است. کاهش قدرت خرید در ژانویه امسال، ۶/۷ درصد یکباره برای سال ۱۹۷۹ بود و در تاریخ ۱۶ ساله اخیر در مقام دوم قرار داشت. دولت آمریکا در گزارش جداگانه اعتراض کرد که، قیمت جزئی فروشی در فوریه نیز، مانده ژانویه، ۱/۶ درصد افزایش یافت.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

جمهوری اسلامی اعلام حمایت نکرده اند! مگر تمام جنبشهای اصیل آزادیبخش، تمام جنبش عظیم کمونیستی و کارگری جهان حامی انقلاب ایران نیستند؟ مگر نه اینستکه این حمایت عظیم در مقیاس بین المللی (از جمله رتوی شوروی در مورد تحریم اقتصادی ایران) باعث شده است که حتی در اردوی دولتهای امپریالیستی کشورهای در تحریم اقتصادی ایران دچار تردید شوند، آرا غیر-عملی بدانند و در نتیجه هر یک پهلوی سمن کند شانه از زیر بار آن خالی کند؟ اینها واقیعیات است روشنتر از آفتاب، که در گفته های مقامات مسئول و رسانه های گروهی ایران نیز کمابیش منعکس است.

آری، اگر ما جهان را منحصر به جهان امپریالیسم و زیر سلطه امپریالیسم تصور کنیم، ایرا نرا باید تاحدودی منزوی بدانیم. از این دیدگاه، آنگاه منطقی ترین نتیجه میرسیم که باید دوباره مانند گذشته باب معاملات یکجانبه و ناپسند اقتصادی و بازرگانی خود را با دولتهای امپریالیستی و شرکتها و انحصارات جهان امپریالیسم بکنشیم. آنگاه ما بجای اینکه اعتراض کنیم که چرا کالاهای آمریکایی با قیمتی ۱۰ الی ۲۰ درصد گرانتر، از کشور ثانی به ایران وارد میشود، و سجدانه بخواهیم که

باین «دجاج» پایان داده شود، معترضی خواهیم بود که چرا مستقیماً مانند گذشته، با آمریکا معامله نمیکند؟ آنگاه ما بجای تقاضای قطع هرگونه معامله یکجانبه با آمریکا، تقاضا خواهیم کرد که مناسبات ما با آمریکا مجدداً مانند گذشته، برقرار شود و برای رسیدن باین مقصود، پیشنهاد خواهیم داد که «گروگانها» محاکمه شوند، آزاد شوند و این مانع از سر راه تجدید مناسبات با آمریکا برداشته شود.

اگر با پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها»، مقصود ما بازگشت به مناسبات گذشته با آمریکا نیست، بلکه خواهیم بفرستیم مناسبات، برپایه شناخت حق حاکمیت و استقلال ما، برپایه حقوق پسران و سود عادلانه مقابل است، آنگاه ما در طرح پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها» اشتباه کرده ایم. باین دلیل ساده که آمریکا نه گروگانها، ایران را میخواهد.

هدف آمریکا بازی گرفتن ایران است، نه «گروگانها». «گروگانها» تنها «مبانه» است، که اگر این «مبانه» نبود، «مبانه» دیگری تراشیده میشد. قبل از گروگانها

این همان خط «گام به گام» نیست؟! (بقیه)

بود که آمریکا توسط گروگهای خود را برای درهم شکستن انقلاب ایران چنان موفقیت آمیز میدانست، که شاه مخلوع را به آمریکا برد تا نشان دهد که کماکان حامی او رژیم اوست و مجدداً میتواند در ایران مستقر شود. این امیدواری - همه میدانیم و همه میدانند - حاصل سیاست سازشکارانه «گام به گام» بود، که راه بازگشت ضدانقلاب «خزنده» را هموار می کرد.

«گروگانگیری» راه را بر سیاست «گام-یکگام» بست، مشت محکم بر دهان امپریالیسم یا نکر کوبید، نشان داد که شعار «بهد از شاه فوت آمریکاست»، شعار بی برکت انقلاب ایران است، ثابت کرد که خلق بهخاسته ایران قدرت و شور انقلابی خود را از دست نداده است، آشکار کرد که خلق رزمنده ایران، به رهبری امام خمینی، صمیم قاطع دارد که «انقلاب دوم را» که بزرگتر از انقلاب اول است، به پیروزی برساند.

باقی مینماید این نظر عجیب که، هدف تجاوز نظامی آمریکا بایران مربوط به «موفقیت و برنامه انتخاباتی کارتر» بوده

است! این نظر، حتی از دعوی دروغین تبلیغاتی خود آمریکا، که مدعی است تهاجم نظامی برای رهائی «گروگانها» بوده است، یک گام عقبتر است.

نقشه افشا شده این تهاجم نظامی تردیدی باقی نیکند که این تهاجم نظامی، نه برای رهائی «گروگانها» (که تازه اگر بود، غیرقانونی و غیرانسانی) بود و نه بطریق اولی برای «موفقیت و برنامه انتخاباتی کارتر» بوده است (کارترها می آیند و می-روند و امپریالیسم آمریکا و هدفهای جهان-خوارش باقی است)، بلکه بنا به اعلام رسمی مقامات مسئول دولتی ایران - از جمله شخص ریاست جمهوری - برای انهدام انقلاب ایران انجام گرفت.

(آیا بیانات نماینده رسمی دولت ایران در سازمان ملل متحد، لاقبل نیابستی انمکالی از نظر رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران باشد؟)

بالاخره باید این واقیعت را دید که هدف آمریکا انهدام انقلاب ایران است و دولت آمریکا، برای دسترس باین هدف،

تمام امکانات و وسائل را که در اختیار دارد، تاکنون بکار برده و در آینده نیز بکار خواهد برد.

ما با امپریالیسم آمریکا - این دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - در نبرد حیاتی و مهمی هستیم و با خط «گام-یکگام» نمیتوان بر این دشمن غدار و حیلگر پیروز شد، ولی میتوان راه را، بر ضد انقلاب «شزنده» گشود، که حاصل نسباتی آن بازگشت رژیم سرنگون شده در شکل و شمایل دیگری خواهد بود. ما برای پیروزی در این نبرد حیاتی و مهمی، یک راه بیشتر نداریم، و آن مبارزه قاطع و تا آخر آستی-تأخیر با امپریالیسم بطورکلی و پیوسته با امپریالیسم آمریکا است. ما در این نبرد می توانیم و باید پیروز شویم، زیرا مسئله برسر مرگ و زندگی، بر دگی و استقلال ما است.

ما در این نبرد حیاتی و مهمی باید و میتوانیم پیروز شویم، چون توده های میلیونی خلق ما حاضر بمرگ و فداکاری برای لیل به این پیروزی هستند. و ما در جهان نیز اینها منزوی نیستیم، برعکس، جنبه عظیم نیروهای ضد امپریالیست در سراسر جهان پشتیبان راستین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، قییت و تحکیم و پیروزی نهایی آست.

نامه «مردم» بزبان آذربایجانی را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسکهای فروش نشریات بخواهید

نام نویسی در حزب توده ایران کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلال گوناگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱ تا ۱۱ صبح و از ۱۲ تا ۱۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶

شماره های گذشته نامه «مردم» از شماره یک تا صد برای فروش به طور تک شماره آماده است

بدفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

این همان خط ((گام به گام)) نیست!!

آقای منصور فرهنگ، نماینده ایران در سازمان ملل متحد دو مصاحبه، یکی بارونامه کیهان (۵۹۲۳۳۱) و یکی بارونامه انقلاب اسلامی (۵۹۲۳۳۰) انجام داده‌اند، که مضمون کلی آنها مخالفت با دگرگونی‌های «جاسوسان آمریکایی» مخالف با محاکمه آنها و ارائه دلیل در جهت لزوم آزادی آنها است. داشته‌اند، مورد بررسی قرار دهیم، چون بیانات ایشان با ارزیابی سیاست دولت آمریکا نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نسبت به آمریکا ارتباط مستقیم دارد.

ولی قبل از بررسی اظهارات ایشان، ابتدا لازم میدانیم به دو نکته اشاره کنیم: نکته اول اینکه، بنظر ما، هر شخصی و یا شخصیتی که مقام رسمی نباشد، حق دارد نظرات شخصی خود را در مورد هر مسئله، از جمله مسائل سیاسی، مانند مسئله دگرگونی‌های و غیره بیان دارد. ولی بیانات یک مقام رسمی باید انعکاس و درجهت سیاست دولت متبوعی باشد که آن مقام نماینده و سخنگوی آنست. آقای منصور فرهنگ متأسفانه در بیانات خود این اصل را رعایت نکرده است. اظهارات غیررسمی از جانب یک مقام رسمی (که متأسفانه گویی معمول شده) بدینوسیله است که باعث اغتشاش در افکار مردم نسبت به سیاست رسمی میشود و این سؤال را در افکار عمومی مطرح میکند: پس سیاست رسمی چیست و آیا اساساً یک سیاست رسمی منجیده وجود دارد یا نه!

نکته دوم اینکه آقای منصور فرهنگ اظهار داشته‌اند: «نظری که دکتر یزدی در این مورد (درومرد گروگانها و محاکمه آنها) داده ... نظر درستی است. ما باید آمریکا را محاکمه کنیم که گروگانها را. پاسخ به این انتقاد باید خود آقای دکتر یزدی است. اما آقای دکتر یزدی در مصاحبه منسلی که بارونامه کیهان انجام داده‌اند و در شماره ۲۷، ۲۸، ۲۹ این روزنامه چاپ شد و مابقیهای آنرا در مورد محاکمه گروگانها و آمریکا در نامه «مردم» (۵۹۳۱) بازگو داشته‌اند:

«... محاکمه آمریکا نمیتواند و نباید به معنای محاکمه همین چند نفر آمریکایی گروگان باشد، بلکه محاکمه این گروگانها (باید) مقدمه و پیکان برای عملکرد ۳۶ ساله دولت آمریکا در ایران باشد. ممکن است محاکمه اصلی (محاکمه آمریکا) با محاکمه گروگانها شروع شده و با گروگانها بتوان شروع در محاکمه حاضر شوند. اما بهرحال باید محاکمه صورت پذیرد. هرگونه اشتباهی در این مورد یک اشتباه و یک خیانت بزرگ تاریخی خواهد بود. آزادی گروگانها بدون محاکمه آمریکا یک اشتباه است. محاکمه گروگانها که صرفاً محاکمه خود آنهاست، اشتباه است. آزادی گروگانها به شرط محاکمه شاه در دادگاه بین‌المللی نیز اشتباه است...»

بدینسان نظری که آقای دکتر یزدی در این مصاحبه اظهار داشته‌اند، مبنی بر لزوم محاکمه گروگانها است، نسبتاً چنان محاکمه‌ایکه صرفاً محاکمه خود گروگانها باشد، بلکه بسط محاکمه عملکرد آمریکا در ایران، در مدت ۳۶ سال سلطه این امپریالیسم هارو جهانخواهر بر کشور ما ارتقاء یابد.

بسیار دیگر، اگر محاکمه گروگانها مقدمه محاکمه آمریکا باشد، ما باید این نظر مواضع و آثار تأیید میکنیم. اینک به بررسی اظهارات آقای منصور فرهنگ میرسیم. برخی از این اظهارات را بازگو میکنیم:

«مسئله گروگانها (گروگانگیری) از دیدگاه قانونی و معنوی قابل دفاع نیست... اما ببنیم چگونه سه ساله راه که بهرحال پیش آمده، در چارچوب هدفهای معنوی و سیاسی و اقتصادی خود حل کنیم... باید آمریکا را محاکمه کنیم نه گروگانها را، چون گروگانها نماینده آمریکا نیستند. بجز در مورد چهار یا پنج نفر آنها که اسنادی در دست است، بقیه کارمندان دزدیای و عده‌ای مامورین حفاظتی میباشند، که از طبقات محروم آمریکا هستند. بنابراین ما نمیتوانیم آنها را بعنوان افراد نمایندگان امپریالیسم بدانیم.»

(کیهان ۵۹۲۳۳۱)

«گروگانگیری بیانه فریبنده‌ای بدست دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم داده که افکار عمومی آمریکا و حتی اروپا را علیه ما

گروگانگیری انجام نمیکرد، نه دستگاه تبلیغاتی آمریکا علیه ایران به چرخش می‌افتاد، نه آمریکا درصدد «تضعیف انقلاب ایران برمی‌آمد، نه تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا مطرح و اعمال میشد، نه اروپای غربی و ژاپن و کانادا و استرالیا با آمریکا همکاری میکردند، نه سیاست آمریکا به راست گرایش پیدا میکرد... خلاصه امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم آمریکا، کمترین اقدامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام نمیداد، آمریکا محقق نوین مولود انقلاب ایران را با طبع خاطر می‌پذیرفت و امپریالیسم آمریکا، دیگر امپریالیسم آمریکا نمی‌بود و مسا هیچ دغدغهای از جانب آمریکا نمیداشتیم. اگر اظهارات آقای فرهنگ را بپذیریم، آنگاه باید قبول کنیم که: حکومت آمریکا نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از اینجا ناشی شده که ما با عمل «غیر-قانونی و غیرمعمول و غیرانسانی» گروگان-گیری بدست آمریکا «بیانه» داده‌ایم.

ولی آقای فرهنگ در این حال قبول دارد که «بیانه» امپریالیسم آمریکا باید محاکمه کرد، یعنی جنایات و غارتگریهای برحسابی که در مدت لاف ۲۶ سال اخیر در ایران انجام داده، فاش ساخت. اگر استدلال قبلی آقای فرهنگ را بپذیریم، آنوقت این سؤال مطرح میشود که: آیا این محاکمه «قانونی» است؟ آیا این محاکمه «بیانه» دیگری بدست آمریکا نخواهد داد!

بنظر میرسد که اظهارات آقای فرهنگ (باید صریح کنیم که ماباشخص آقای فرهنگ کاری نداریم، بهمانگونه که با شخص آقای مهدی یازگان کاری نداشته-ایم، بلکه نظریات آقای فرهنگ را میخواهیم مورد بررسی و نقد قرار دهیم، نظریات ایشان مبتنی بر شناخت امپریالیسم آمریکا، شناخت ماهیت جهانخواهانه امپریالیسم، شناخت سیاست سلطه جویانه، غارتگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مبتنی بر این واقعیت است که آمریکا، دشمن آشتیناپذیر انقلاب ایران، و نه فقط انقلاب ایران، دشمن آشتیناپذیر تمامیت ایران است، خواهد بود.

و اگر کرش نسبت به مسائل، برینبای شناخت ماهیت و سیاست امپریالیسم و از دیدگاه منافع انقلاب ضد امپریالیستی ایران، در جهت حفظ و تعمیق این انقلاب و برای تأمین استقلال واقعی ایران باشد، آنگاه منظرهای بکلی متفاوت و حتی مغایر با نظریات آقای فرهنگ بدست می‌آید.

ما اگر بر آن بینا و از این دیدگاه، به عمل «گروگانگیری» بنگریم، آنگاه بدینوسیله میتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم که: آیا این عمل «قانونی و معنوی و انسانی» بوده است یا نه، زیرا ابتدا برای ما مشخص است که آنچه که از نظر نمایندگان امپریالیسم مستحکم و غارتگر، قانونی و معنوی و انسانی است، از نظر خلق ستمدیده و غارت شده غیرقانونی و ضدانسانی و ضدانسانی است.

و اما در مورد هدف تهاجم نظامی دولت آمریکا به ایران، که نافرمانی، و اظهارات مقامات رسمی آمریکا، که این تهاجمات در آینده نیز علیه ایران انجام خواهد گردید، آقای فرهنگ میگوید:

«هدف اصلی کارزار در تجاوز نظامی ایران و مطالبی که پس از شکست این تجاوز (در باره تجاوزات نظامی آینده) مطرح کرده، مربوط به موقعیت و برنامه انتخاباتی خودش بوده است.»

در جنگ دوم جهانی بکار رفته بود، «انجام وظیفه» در راه «آزادی» خلق ویتنام از چنگال کمونیسم، کجاست آن جنایات فجیحی که امپریالیسم بنام «آزادی» ویتنام انسانیت را انجام نداده باشد، و کجاست آن واکنش بر حق و عادلانه و انسان دوستانه خلقها، که از جانب امپریالیسم بدستش غیرانسانی، قلمداد شده باشد.

عمل «گروگانگیری» بدست امپریالیسم آمریکا «بیانه» داده است؛ اگر این «بیانه» بوده، مگر آمریکای جنایتکار برای توجیه اقدامات خود علیه انقلاب ایران «بیانه» دیگری نمی‌یافت؟ مگر مجازات چند جنایتکار طغوفی از نوع نصیرینا و هویداها، برای امپریالیسم آمریکا «بیانه» نشد که فریاد برآورد «روزم خینی رژیم تروریستی است»، «فرقانونی و غیرانسانی است» «گروگانگیری» «گروگانگیری کرده بود، مگر رژیم مصدق گروگانگیری کرده بود، مگر در ویتنام خود آمریکا توسط «خلیج تونکن» را بدروغ نیافرید تا «بیانه» حمله به ویتنام دموکراتیک را بدست آورد؟

شما «بیانه» ندهید، امپریالیسم هارو جنایتکار آمریکا خود «بیانه» خواهد تراشید. بزرگترین «بیانه» آمریکا خود انقلاب ایران است، و اگر قرار بود که ما برای ندادن «بیانه»، مداخله آمریکا در ایران، دست روی دست بگذاریم و با این قدرت جهانخواهر می‌بازیم نبردیم، اساساً سیاستی انقلاب نکنیم. سیاستی «یک مشروطیت بدون شاه» درست کنیم یا تضمین منافع غارتگرانه آمریکا در ایران!

افکار عمومی در آمریکا و اروپای غربی علیه انقلاب ایران بخت آمده است؛ محدودی آری. ولی مگر این خشم حاصل دستگاه تبلیغاتی عظیم امپریالیسم نیست که بلافاصله بعد از انقلاب ایران و حتی در جریان نضج و اغتشاش آن به چرخش افتاد و نه فقط بعد از «گروگانگیری»؟ هدف از این تبلیغات، تحجیر افکار عمومی علیه انقلاب ایران است، نام عمل توپیک گران و هر تجاوزی که از جانب آمریکا، همراه با متحدان و دست ایران انجام گیرد، «تبهلول» واقع شود.

تازه امپریالیسم، آنگاه که منافعی اقتضا کند، کمترین توجیهی به این افکار عمومی ندارد، زیرا هر لحظه، با دستگاه تبلیغاتی عظیم آمریکا خود، میتواند افکار عمومی دیگری در جهت توجیه سیاست خود بسازد. بعنوان مثال در انگلستان، همین دستگاه تبلیغاتی، خشم مردم را بپس از هر کشور دیگر اروپایی علیه انقلاب ایران نسبی کرده بود. ولی دولت انگلستان ناگهان اعلام کرد که تصمیمات کنفرانس ناپلیدر مورد تحریم اقتصادی ایران، که خود پیشنهاد کرده بود، اجرا نخواهد کرد. دولت انگلستان، مانند هر دولت امپریالیستی دیگر، مجری اراده انحصارات امپریالیستی است و نه افکار عمومی.

بین دولتهای امپریالیستی- مجریان اراده انحصارات امپریالیستی- تضاد وجود دارد؛ محدودی آری. ولی این تضاد یارقابیت، در دهه اخیر، آنهم برای اولین بار، پیرامون «گروگانگیری» وجود نیامده است. این تضاد بر سر غارت جهان و تقسیم غنایم، از آغاز سرمایه‌داری و بویژه در دوران گذار سرمایه‌داری به سرمایه‌داری امپریالیستی وجود آمده و گاه حتی به چنگ بین آنها منجر شده است. ولی دولتهای امپریالیستی، که بر سر سلطه بر خلقها و غارت آنها با یکدیگر تضاد و رقابت دارند، آنگاه که مسئله بر سر سرکوب جنبش آزادیبخش ویا انقلاب رهاییبخش بیرونشند خلقی مطرح است، با یکدیگر متحد میشوند. از اینروست که دولت‌های اروپای غربی، ژاپن، کانادا و استرالیا برای تحریم اقتصادی ایران و برای هرگونه عمل دیگری که بتواند انقلاب ایران را دردم بکشد، دست دردمت آمریکا می‌گذارند و در چارچوب امکان، از تضاد منافع انحصاراتی که مجری اراده آنها هستند، صرف‌نظر میکنند. بالاتر از آن، دولتهای امپریالیستی و در رأس آنها آمریکا، حتی میتوانند از منافع فعلی خود برای منافع آتی خود، که بزرگتر باشد، فاحشود و وا زمان معینی صرف نظر کنند.

تحریم اقتصادی ایران امروز البته به منافع آتی خود آنها نیز زیان وارد میکند، ولی اگر انقلاب ایران را بتوانند دردم بکشند مجدداً سلطه غارتگرانه خود را در ایران برقرار سازند، آنگاه این زیان موقت را

صدها بار بیشتر جبران خواهند کرد. اگر گرایش بر است سیاست آمریکا ناشی از «گروگانگیری» در ایران بدانیم، دواقی نشان داده‌ایم که کمترین اطلاعی از جریان نبرد عظیمی که در میانه بین المللی جریان داشته و دارد، نداریم.

پس از اینکه بدینال مبارزه چندین ساله اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی متحد آره با بهره‌برداری از تضادهای موجود بین دولتها و محافل حاکم دولتهای امپریالیستی و با استفاده از واقع‌بینی برخی محافل حاکم دولتهای امپریالیستی و بویژه واساسا متکی به تغییر تناسب قوا در صحنه بین‌المللی بسود نیروهای ضد-امپریالیست و هوادار صلح «یورش صلح» اتحاد شوروی به بیروزیهای چشمگیر دست یافت و سرانجام در تابستان ۱۹۷۴، در کنفرانس امنیت جمعی اروپا در هلستینکی، با شرکت ۳۳ کشور قاره اروپا، باسفته آمریکا و کانادا، اصول سیاست همزیستی سلامت آمیز، بعنوان اصول روابط میان دولتهای شرکت کننده بتصویب سران این کشورها رسید، چنان «بازها» یعنی مرجع-ترین جناح، در محافل حاکم امپریالیسم جهانی، بویژه در آمریکا، درصدد «تلافی» برآمدند و به تلاش افتادند و هر روز بر این تلاش افزودند، تا تشنج زدائی را متوقف سازند، مواضع از دست رفته را بازپس گیرند، مواضع در جهان بوجود آورند، سیاست بکلی شکست خورده «حرکت بر لبه پرتگاه جنگ» را احیاء کنند و مجدداً بکار گیرند، تا در این چو تشنج بتوانند چرخ انحصارات اسلحه‌سازی را با سرعتی روزافزون به-حرکت درآورند، جنبشهای آزادیبخش را با قوه قهریه سرکوب کنند، رژیمهای مستقل را در «جهان سوم» ساقط کنند، رژیمهای نوع نظامی، پلیسی و فاشیست گرائی از نوع رژیم «آریسم» و «پیتوشه» بر خلقها تحمیل کنند، والا آخر.

محور تبلیغات امپریالیسم برای پیشبرد این سیاست بازگشت به جنگ سرد، تبلیغات ضد شوروی است و نه تبلیغات مربوط به «گروگانگیری» در ایران. این تبلیغات «مجدداً و با تمام قدرت دروغ‌سازی و دروغ-پردازی خود متزکم فاضل شوروی» علم کرده و باهتزاز درآورده است. بنا به این تبلیغات، «خطر شوروی» همه کشورها و همه خلقها را تهدید میکند، چه در اروپا، چه در آسیا، چه در خاورمیانه، چه در آمریکای لاتین، چه در خاور دور...!

همه باید توجه این خطر موهوم باشند، تا خطر واقعی آمریکای جهانخواهر را فراموش کنند، تا از ترس این خطر موهوم زیر-چتر حمایت آمریکای جهانخواهر قرار گیرند. آیا این سیاست بازگشت به جنگ -سرد، این سیاست «تشنج گرائی» این تبلیغات افشارگسیخته «روح دروغ» «خطر شوروی» موفق خواهد بود؟ مسلماً نه! این تبلیغات در زمان معینی میتواند جریان تشنج‌زدائی و پیشرفت همزیستی سلامت آمیز را کند کند، ولی شکست «مجدد آن، شکست قطعی تر خواهد شد.

همه تحولات و جریانات موجود در صحنه بین‌المللی، و از جمله گرایش بر است سیاست آمریکا راه ناشی از «گروگان-گیری» در ایران دانستن، حداقل بر اطلاعی نمائندگی از اوضاع بین‌المللی است. برینبای این بر اطلاعی نمائندگی، و یا بدئی از آن، برینبای چشم بستن بسروی واقعیت‌های است که می‌توان گفت ایران امروز در چتر «سزوی» شده و ما باید دگرگانها را آزاد کنیم تا از «انزوا» بدرآئیم.

آیا ایران منزوی شده است؟ در جهان امپریالیسم و زیر سلطه امپریالیسم، قلم حدودی آری. ولی بقیاس جهانی نه. مگر حمایت قاطع کشورهای سوسیالیستی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قابل انکار است؟ مگر همه دیگر کشورهای نواستقلالی که در نبرد با امپریالیسم، در صدد تأمین و تحکیم استقلال خویشند، از استقلال و بقیه در صحنه ۶

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مهندسان و کارگران ایرانی میتوانند اداره مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن را بر عهده گیرند

درجهان سوسیالیسم

نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی طی پنجاه سال

جدول زیر مهمترین نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را در سالهای ۱۳۰۷-۱۳۰۷ نشان میدهد. برای نمونه، چنانچه فرآورده اجتماعی ناویژه را در سال ۱۳۰۷ برابر با یک فرض کنیم، این یکصد و سی و هفت و پنج صدمه یعنی ۱۳۰۷ برابر شده است. نمودارهای دیگر نیز به همین ترتیب قابل تمییز است.

مهمترین نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی (۱۳۰۷=۱)

۱۳۰۷	۱۳۴۹	۱۳۱۹	۱۳۰۷
۵۷	۳۷	۲/۵	۱
۶۸	۴۵	۵/۱	۱
۱۲۸	۷۷	۶/۵	۱
۳/۴	۲/۹	۱/۳	۱
۲۳	۱۵	۲/۳	۱
۹/۵	۷/۹	۳/۰	۱
۲۳	۱۵	۳/۱	۱
۵/۹	۲/۷	۱/۷	۱
۱۵/۵	۱۱/۱	۲/۵	۱

درجهان سرمایه داری

کاهش قدرت خرید کارگران در ایالات متحده آمریکا

در اثر تورم توانفرسا، قدرت خرید کارگران ایالات متحده آمریکا در ۱۶ سال پیش پنجوی بیست و یک درصد کاهش یافته است. بگزارش وزارت کار، درآمد کارگران در بخش خصوصی در فوریه امسال، ۷/۳ درصد کمتر از رقم فوریه ۱۹۷۹ بود. این کاهش، از زمانیکه وزارت کار، آمریکا در سال ۱۹۶۳ شروع به انتشار آمار در باره قدرت خرید سکنه کرد، بی نظیر بوده است. کاهش قدرت خرید در زانویه امسال، ۶/۷ درصد یکپوشه برای سال ۱۹۷۹ بود و در تاریخ ۱۶ ساله اخیر در مقام دوم قرار داشت. دولت آمریکا در گزارشی جداگانه اعتراف کرد که، قیمت جزئی فروشی در فوریه نیز، مانند زانویه، ۱/۶ درصد افزایش یافت.

در مجموع خود، که زائیده وضع ناپسندانگیزه است. نگاهها، پستها، خطوط انتقال و غیره است، گواهی گویایی بر صحت این نظر است.

انحصار ژاپنی «پتروشیمی» بخش اعظم کارهای اجرایی را به مقامه کاران دست دوم از قبیل شرکت ایتالیایی «ساملی» شرکت سنگاپوری «جورنگ» و شرکت های کوچک ایرانی سپرده است. این شرکتها نیز به نوبه خود، کار را به پیمانکاران دیگر محول کرده اند که تاگزیر کیفیت کار را پائین می آورد.

چنین است گوشه دیگری از عملکرد انحصارهای ژاپنی در ایران. حال اگر گفته شود، که این قرارداد باید ملغی شود به معنای آنستکه مجموعه کار باید متوقف گردد؛ بدیهی است منظور از لغای قرارداد، قطع سمت انحصارگران خارجی و سپردن اداره امور بدست ایرانیها است. آیا مهندسان و کارگران ایتالیایی و سنگاپوری دلسوزی از مهندسان و کارگران ایرانی هستند؟ آنچه که متخصصین ایرانی می توانند خود اجرای طرح را به عهده گیرند، لزومی به وجود انحصارهای خارجی نیست. و اما در مورد مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن نیز هدف لغای قرارداد مربوط به سبب شدن انحصارهای ژاپنی بود. روشن است، که موسسه پتروشیمی را میتوان بدون کمک ژاپنی تیس و در مورد دیگر انحصارهای خارجی نیز صادق بود. وضع اسفناک برق ایران مورد بهره برداری واقع میشوند. در صورت خرید جداگانه لوازم فشار قوی و غیره، مهندسان، استادکاران و کارگران ایرانی قادر بودند که این بار نیز طرح، نصب، آزمایش و بهره برداری را خود بعهده گیرند.

تیلیفات گسترده دوران طاقتوت چنین توهمی بوجود آورده که گویا انحصارهای خارجی «تیز» و «دلسوزانه» کار میکنند. بررسی کارهای «پتروشیمی» نشانگر آنستکه انحصارهای خارجی، چه در طرح، چه در اجرا و چه در پیش بینی مسائل بهره برداری، تا آنجا که بتوانند، نسبت به مسائل فنی و ایمنی بی توجه اند. مثلاً، بارها دیده شده که هدف «پتسو» یعنی فقط، تحویل پست ها به صورتی است که در دوره تحویل موقت، اشکال عمده ای که موجب دردسر خودش باشد، بوجود نیاید. مالا اصول فنی و ایمنی آنطوریکه باید و شاید در نظر گرفته نمی شود و بسیاری از نارسائیهای هنگام بهره برداری بروز می کند. چنان نارسائیهایی هم در طرح تهران - نکا و هم در پست های دیگری که این انحصار ژاپنی ساخته، به چشم می خورد. پست های خوزستان - آراک نمونه جالبی در این زمینه است. اشکالاتی که در این پستها مشاهده میشود آقدر زیاد است که حتی ذکر فهرست وار آن ها در اینجا امکان پذیر نیست.

چنین شیوه کار مخص انحصار ژاپنی تیس و در مورد دیگر انحصارهای خارجی نیز صادق است. وضع اسفناک برق ایران

اما گروه دوم، تجهیزات مخصوص پست های فشار قوی است که فعلاً، باز در نتیجه کارشناسی امپریالیسم، در ایران تولید نمی شود.

از نظر طرح، مهندسان ایرانی بارها قابلیت خود را، حتی در شرایط سخت رژیم شاه مخلوع به ثبوت رسانده اند. طرح پست ها، به طور عمده شامل طرح ساختمانها و فونداسیون ها، طرح سازه های فلزی، طرح مدارهای فشار قوی و طرح سیستمهای حفاظت و فرمان است. کلیه این امور در ایران عملی است. مهندسان ایرانی این نظر را در محاسبات و طراحی ساختمانها و فونداسیون های طرح تهران - اسفهان عملاً به ثبوت رسانده اند. این طرح که توسط مهندسان شرکت دولتی مهاباد پیاده شده، قریب دو سال است که کار میکند. ممکن است کسانی پیدا شوند و خرده بگیرند که این نوع طرحها به انحصارهای امپریالیستی باصطلاح عدم پیش فنی مهندسان و استادکاران ایرانی ذکر میشود. حال به بینیم آیا این ادعا صحت دارد؟

از نظر ساخت و مسائل و تجهیزات، پست های فشار قوی به دو گروه تقسیم میشوند. گروه اول آنها هستند که در دیگر موسسات صنعتی و حتی غیر صنعتی هم مورد استعمال دارند و بسیاری از آنها در حال حاضر در ایران تولید میشوند. ولی شرکت ژاپنی همه این مسائل (در مواردی حتی در وینچر و میخ را) از کشور خودی وارد می کند.

قراردادهای يك جانبی تحصیل شده از جانب انحصارهای تك ملیتی و چند ملیتی یکی دیگر از مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم. هم اکنون در طرح پتروشیمی لاتمام در سراسر کشور وجود دارد، که در صورت تعیین تکلیف آنها، میتواند گرهی از مشکل اشتغال بگشاید.

چندی پیش ما درباره یکی از این قراردادها - مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن، در نامه «مردم» نوشتیم و با ارائه ارقام انکارناپذیر خصلت نواستعماری آنرا فاش ساختیم. در این مقاله ما خواستار لغای قرارداد شدیم. متأسفانه برخیها مسئله لغای قرارداد را با ادامه کار ساختمان این مجتمع بسزراک «اشتباه» کردند و به ما خرده گرفتند! معلوم نیست که خرده گیران با رسیدگی به تخلفات و تقلبات دوران طاقتوت موافقند یا نه. و آیا خواست دایر به تجدید نظر در قراردادهای تحلیلی امپریالیسم، دلیل کارشناسی و یا موافقت با امپریالیسم است، یا در جهت مبارزه ضد امپریالیسم؟ آنچه ما درباره طرح پتروشیمی ایران ژاپن نوشتیم، فقط گوشه ای از غارتگریهای انحصارهای ژاپنی است. پس از انتشار آن مقاله، یکی از مهندسان مین دروست، جوانب دیگر «دلسوزی» انحصارهای ژاپنی را برای ما ارسال داشته، که در زیر از نظر خوانندگان میگذرد:

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

این همان خط «گام به گام» نیست؟! (بقیه)

باین «قاچاق» پایان داده شود، مترش خواهیم بود که چرا مستقیماً مانند گذشته، با آمریکا معامله نمیکند؟ آنکه ما بجای تقاضای قطع هرگونه معامله یکجانبه نابرابر با آمریکا، تقاضا خواهیم کرد که مناسبات ما با آمریکا مجدداً مانند گذشته، برقرار شود و برای رسیدن باین مقصود، پیشنهاد خواهیم داد که «گروگانها» محاکمه نشوند، آزاد شوند و این مانع از سر راه تجدید مناسبات با آمریکا برداشته شود!

اگر با پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها»، مقصود ما بازگشت به مناسبات گذشته با آمریکا نیست، بلکه خواهان برقراری مناسبات، برپایه شناخت حق حاکمیت و استقلال ما، برپایه حقوق برابر و سود عادلانه متقابل است، آنکه ما در طرح پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها» اشتباه کرده ایم. باین دلیل ساده که آمریکا نه گروگانها، ایران را میخواهد.

هدف آمریکا بژاپن گرفتن ایران است، نه «گروگانها». «گروگانها» تنها «بهبانه» است، که اگر این «بهبانه» نبود، «بهبانه» دیگری تراشیده میشد. قبل از گروگانها

جمهوری اسلامی اعلام حمایت نکرده اند! مگر تمام جنبشهای اصیل آزادیبخش، تمام جنبش عظیم کمونیستی و کارگری جهان حامی انقلاب ایران نیستند؟ مگر نه اینستکه این حمایت عظیم در مقیاس بین المللی (از جمله رتوی شوروی در مورد تحریم اقتصادی ایران) باعث شده است که حتی در اردوی دولتهای امپریالیستی کشورهای در تحریم اقتصادی ایران دچار تردید شوند، آنرا غیر عملی بدانند و در نتیجه هر یک بطریقی سعی کنند شانه از زیر بار آن خالی کنند؟ اینها واقعیتی است روشن تر از آفتاب، که در گفته های مقامات مسئول و رسانه های گروهی ایران نیز کمابیش منعکس است.

آری، اگر ما جهان را منحصر به جهان امپریالیسم و زیر سلطه امپریالیسم تصور کنیم، ایران را باید قاجارود میزود بدانیم. از این دیدگاه، آنکه منطقی باین نتیجه میرسیم که باید دوباره مانند گذشته باب معاملات یکجانبه و نابرابر اقتصادی و بازرگانی خود را با دولتهای امپریالیستی شرکتها و انحصارات جهسان امپریالیسم بگشاییم. آنکه ما بجای اینکه اعتراض کنیم که: چرا کالاهای آمریکایی با قیمتی ۱۰ الی ۲۰ درصد گرانتر، از کشور تالی به ایران وارد میشود، و مجادله بخواهیم که

تمام امکانات و وسائلی را که در اختیار دارد، تاکنون بکار برده و در آینده نیز بکار خواهد برد.

ما با امپریالیسم آمریکا - این دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - نبرد حیات و معانی هستیم و با خط «گام به گام» نمیتوان بر این دشمن غدار و حیله گر یروز شد، ولی میتوان راه را بر ضد انقلاب «خونده» گشود، که حاصل نسباتی آن بازگشت رژیم سرنگون شده در شکل و شمایل دیگری خواهد بود. ما برای یروزی در این نبرد حیات و معانی، یک راه بیشتر نداریم، و آن مبارزه قاطع و تا آخر آشتی ناپذیر با امپریالیسم بطور کلی و به ویژه با امپریالیسم آمریکا است. ما در این نبرد میتوانیم و باید یروز شویم، زیرا مسئله بر سر مرگ و زندگی، بر دگی و استقلال ما است.

ما در این نبرد حیات و معانی باید و میتوانیم یروز شویم، چون توده های میلیونی خلق ما حاضر به هرگونه فداکاری برای نیل به این یروزی هستند. و ما در جهان نیز اینا منزوی نیستیم، برعکس، جنبه عظیم نیروهای ضد امپریالیسم در سراسر جهان پشتیبان راستین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تکیه و تحکیم و یروزی نهایی است.

است! این نظر، حتی از هوی دروغین تبلیغاتی خود آمریکا، که مدعی است تهاجم نظامی برای رهائی «گروگانها» بوده است، یک گام عقبتر است.

نقشه افشا شده این تهاجم نظامی تردیدی باقی نمیکند که این تهاجم نظامی، نه برای رهائی «گروگانها» (که تازه اگر بود) مقیر قانونی و غیر انسانی، می بود و نه بطریق اولی برای «موقیت و برنامه انتخاباتی کارتر» بوده است (کارترها می آیند و می روند و امپریالیسم آمریکا و هدفهای جهان خواره اش باقی است)، بلکه بنا به اعلام رسمی مقامات مسئول دولتی ایران - از جمله شخص ریاست جمهوری - برای انهدام انقلاب ایران انجام گرفت.

(آیا بیانات نماینده رسمی دولت ایران در سازمان ملل متحد، لاقبل نیابتی آنکسی از نظر رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران باشد) بالاخره باید این واقعت را دید که هدف آمریکا انهدام انقلاب ایران است و دولت آمریکا، برای دسترسی باین هدف،

نام نویسی در حزب توده ایران
کادگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلائل گوناگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱۱ صبح و از ۵ تا ۵ بنادظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶

شماره های گذشته نامه «مردم»
از شماره يك تا صد - برای فروش به طور تک شماره آماده است
بدفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

نامه «مردم» بزبان آذربایجانی
را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسکهای فروش نشریات بخواهید

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

نگذاریم بی تفاوتی جایگزین شور انقلابی گردد

تداوم انقلاب با برنامه

حل مشکلات گران، تورم، مسکن و... فقط برنامه میخواهد

ما نیازمند استحکام بیشتر وحدت داخلی در لحظه بود، و منتظر، منتظر حفظ این وحدت فقط با شمار ممکن نیست، بلکه با اجرای برنامه‌های مردمی و شش‌ماهه میسر است. حال که از این برنامه‌های مردمی سخن رفت، با توجه به مجلسی که شروع بکار نموده، در حفظ حرکت و طبقه انقلابیون مکتبی بخوبی روشن میگردد. با توجه به آنکه همه از یکسوال وادی که از انقلاب میگردد، هنوز بودوکراسی حاکم نگذاشته است نهادهای انقلابی از این بار سنگین کم‌رست کنند و نهادهای حاکم هم که سرگرم رودرویی با یکدیگرند. اگر نهادهای پیاپی امام در مقابل امپریالیسم نباشند شاید خود ندانند که در مقابل چه دشمن توطئه‌گری سکن‌دار کشی طوفان زده جامعه ما هستند و همین دلیل مسی‌بینیم بعد از انقلاب بتدریج گران پیدا میکنند. مسئله مسکن هنوز حل نشده، قوانین مالیاتی روی دوش طبقات مستضعف سنگینی میکند. کشاورزی سرگرد سامانی نیافته. کارخانجات پدانه‌گونه که ما را از خارج بی‌نیاز کند، هنوز راه دور و درازی در پیش دارد. با توجه به آنکه رئیس‌جمهور خود اذعان داده، با پست‌گی، با پائین آمدن تولید بیشتر کرده و با افزایش این وابستگی طبیعی است مستضعفین مستضعف‌تر و مستکبرین مستکبرتر گشته‌اند و این همان چیزی است که احتمالاً انفجار را اجتناب‌ناپذیر ساخته و امپریالیسم را امیدوار.

حال باید توجه داشت که رفع این مشکلات در قانون اساسی پیش‌بینی شده، منتظر برنامه‌های انقلابی نخواهد و مجریان انقلابی که انقلاب را از گزند توطئه‌ها مصون آید.

در مطبوعات کشور

طرح‌های شریعی که همیشه بعد از انقلابات برای بازسازی جوامع غارت‌شده مورد نیاز است، هنوز یکبار هم در انقلاب‌ها مطرح نگردیده و فقط نگاه در سخنرانی‌ها عنوان شده است. بازگانی خارجی که دیشه گران در آن نهفته است، با آنکه از مدت‌ها قبل سررسدهای ایران در آن کرده‌اند، هنوز هم معلوم نیست چرا در پرتو فراموشی سپرده شده است.

بودوکراسی و قبول امام قرطاسی بازی امروز باجرات‌چوب لای چرخ کارها میگذارد و از یکسو فرست طلبها در بعضی موارد خود را آنتی‌جان جا کرده‌اند و پندارشی تراشی شتوانند که گویی از یازب کاترلیکت‌ترند. زمین‌زدگی سرسودی را سرعت طی میکنند، تا اگر جلوی آن گرفته نشود، معلوم نیست چه نتیجه‌ای بیار خواهد آورد. با توجه به آنکه چاره‌اندازی و کمک نیست و اینها همه مسئله برنامه‌ها است که متأسفانه تا امروز نتوانسته‌ایم در مورد آن‌ها پایداری کنیم.

طبیعی است قبل از آنکه کشورهای برادری انقلاب کرده‌اند بر نامه‌های اقتصادی مردمی را اجرا نموده‌اند، تا با بد جامه‌ای که یکتفریکسده آید آردمان دارد و یکتفریکسده نداشتند، چگونه میتوان توحید اجتماعی بوجود آورد و طبیعتاً در یکتفریکسانی اندیشه‌یکتفریکسانی را محسوس خواهد کرد و تا این مسائل حل نگردد ما در چنین نظامی امنیت لازم را در مقابل توطئه‌ها نتوانیم داشت.

در این موارد با هم یادآوری می‌گردد که آگاه بودن توده‌ها میتواند تمام نهادها را در جهت دگرگونی به پیش براند و گرنه تا توده‌ها در جو احساسی غوطه‌ورند تمسک‌پذیر بوده و از این‌سرو از احساسات آن‌ها در جهت نجات غیرسرمایه‌ی‌بربر برداری خواهد شد. و در لحظه انقلاب را در معرض خطر قرار خواهد داد. (شهره ایران، ۸ خرداد)

توجه

بخش سوم مقاله چشم‌روها و مسئله راه‌روشن‌شیر - سرواژه‌های را در شماره فردا می‌نویسید.

آیا راست است؟

که آقای دکتر سنجابی که بهر آن چند تن دیگر استاد مربوط به همکاری ابروالفضل قاسمی در حزب ایران با ساواک اعلام نمی‌کنند؟

امریکائی‌ها اعتراف کردند که به شورشیان افغانی اسلحه میدهند



سرانجام مقام‌های آمریکائی رسماً برده‌ها را کنار زده و با توجه به حقایق انکارناپذیری رسماً مجبور شدند اعلام کنند که آمریکا به «مبارزان» افغانی اسلحه میدهد.

رابطه‌های غربی به نقل از «ساحبه مطبوعاتی یک مقام برجسته آمریکائی اعلام کردند که «آمریکا مستقیماً به شورشیان افغانی اسلحه میدهد». این مقام در صحابه خود اضافه کرده است:

«آمریکا همچنان در جستجوی راه‌های افزایش ارسال سلاح برای شورشیان است». اعتراف سخنگوی آمریکا در مورد کمک مستقیم به «شورشیان» است.

در ماه‌های اخیر حتی چند روزنامه آمریکائی از جمله روزنامه واشنگتن پست فاش کرده بودند که دولت کلان مستقیماً از طریق پاکستان سلاح در اختیار شورشیان، قرار میدهد.

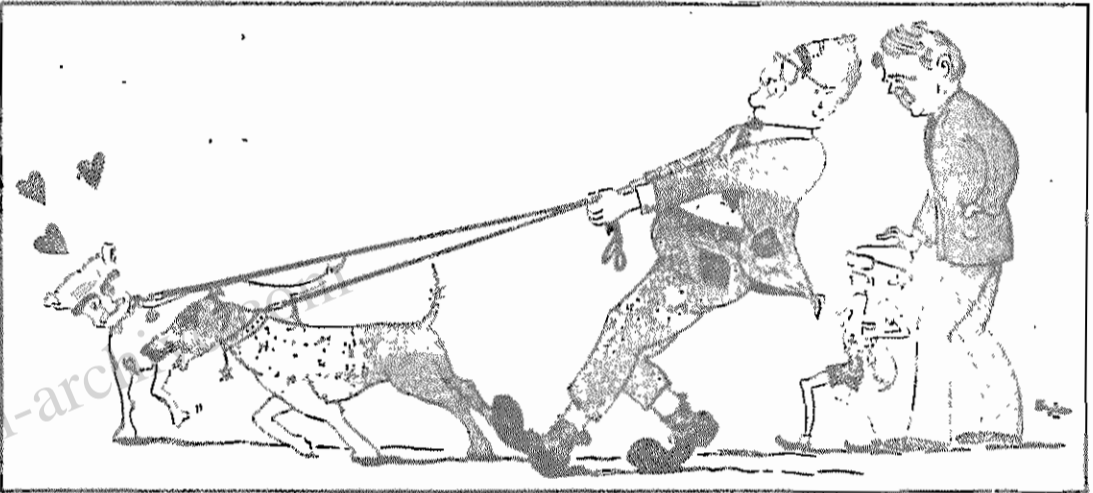
چند روزنامه «هنر» نیز اسنادی روشن درباره ارسال کمک‌های آمریکا برای ضدانقلابیون افغانی منتشر کرده بودند. با توجه به این اسناد و مدارک روشن و همچنین با توجه به «درز کردن» مذاکرات و تصمیمات اجلاس ویژه شورای امنیت ملی آمریکا در مورد کمک به «شورشیان» افغانی بود که مقام‌های آمریکائی به ناچار مجبور شدند به این کمک‌ها و یادرواقع به صداخواه در امور داخلی

افغانستان اعتراف کنند. نیازی به توضیح نیست که کمک مستقیم آمریکا به شورشیان از طریق پاکستان سورت‌س‌گردد و بدین ترتیب ریاکاری ضیاع‌الحق، دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در پاکستان، که دائماً از «کمک‌های بشردوستانه» به شورشیان افغانی یاد میکند، بخوبی روشن میشود. از ماه‌ها پیش کاملاً ثابت شده بود که آمریکا مستقیماً در پیشتاز پاکستان ضدانقلابیون افغانی را آموزش میدهد و مسلح میکند همچنین مشخص گردیده بود که اس‌ان‌ا‌یل سلاح‌های ساخت کشورهای سوسیالیستی اروپا را، که در جنگ با اعراب به غنیمت گرفته است، در شهر پیشتاز در اختیار با سلاح «مبارزان» قرار میدهد تا وانمود شود که این «مبارزان» گویا این سلاح‌ها را از سازبازان افغانی به غنیمت گرفته‌اند. اعتراف رسمی آمریکا نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا برای اسلحه آمریکائی از نوع اسلحه ضیاع‌الحق و حکمت یا ره‌سا تا کجا پیش میرود، در دعوی تاجه حد با اسلحه انقلابی امام خمینی دشمن است.

دیدار ایش هونگر و فیدل کاسترو

تصمیم روند همکاری و دوستی هرچه بیشتر در حزب دموکرات مودریت قرار گرفت. هونگر و کاسترو در مذاکرات خود مسئله حفظ صلح، بویژه در حوزه دریای کارائیب و اروپا را مورد بررسی قرار دادند.

ایش هونگر، دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان و فیدل کاسترو، رئیس دولت ملی و مرکزی حزب کمونیست در رئیس شورای دولتی و نخست‌وزیر کوبا، در برلین مذاکرات مهمی درباره اوضاع جهانی انجام دادند. در این مذاکرات



بلون شرح: از راست به چپ کارتر، یگن، کیسینجر و سادات و شاه مطلق (این طرح از سوی یک برادر خرمک صری به‌مکتب ایران هدیه گردیده است)

(تهران، ۱۳۵۹/۳/۶)

هفته همبستگی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی در اتحاد شوروی برگزار شد

در کارخانه‌ها و دانشگاه و مراکز مختلف بدین مناسبت مراسم ویژه‌ای برگزار گردید و مردم شوروی همبستگی خود را با مردم آفریقای جنوبی در مبارزه علیه نژادپرستی و آپارتاید اعلام کردند.

مانویست‌های چین میخواهند با اتحاد نظامی با آمریکا و ژاپن تشکیل دهند

محافل اجتماعی آسیای جنوب شرقی، ضمن بحث درباره دیدار هوا کوفنگ از توکیو، ابراز نگرانی کردند که غرب تلاش دارد از مورق‌چین علیه ازیوگ سوسیالیستی و جنبش «دنی» پیش‌ملی استفاده کند. اما این بازی می‌تواند برای زبان صلح بسیار خطرناک و برای کسانی که از این ورق استفاده می‌کنند، پیامدهای خطرناکی در بر داشته باشد. این محافل به عسرتی‌ضد کمونیستی و شش‌شوروی در غرب است. و اعلام کردند که «دعا» نیز در زاین همین عبارات را بکاربرد و خواستار اتحاد جهانی کمونیستی امپریالیستی علیه اردوگاه سوسیالیستی و جنبش رهایی‌بخش ملی شد. روزنامه‌های تری‌خواه آسیای جنوب شرقی تاکید می‌کنند که مانویست‌های چین می‌خواهند به احسانت نظامیگری در زاین دامن برنند و این کشور را به افزایش بودجه نظامی تحریک کنند. یک اتحاد نظامی با زاین در آمریکا تشکیل دهد. «هوا» تلاش کرد که با تکرار سخن رامبداران آمریکا در مورد به‌سلاح تهدید شوروی، محافل نظامیگری زاین را در تحمیل افزایش بودجه نظامی به مردم این کشور مورد حمایت قرار دهد.

یانوش کادار: اتحاد شوروی و دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو میخواهند در صلح زندگی کنند

یانوش کادار دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان گفت که اعتقاد داریم نبردهای ارتجاعی و امپریالیستی قادر نخواهند بود تعادل نیروها را بشع خود تغییر دهند و در روند تنش‌زدایی جهانی اختلال کنند.

وی گفت که کشورهای جامعه سوسیالیستی مانند گذشته آذر خواهند بود از امنیت خود دفاع کنند و ارتجاع باید دور کند که بی‌پس‌چیز نمی‌تواند جلوی رشد سوسیالیسم را سد کند.

یانوش کادار تاکید کرد که «اتحاد شوروی و دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو میخواهند در صلح زندگی کنند. جامعه ما پیش از هر چیز یک‌قدرت سیاسی است، اما همچنین یک قدرت نظامی دلفن نیز هست، که در خدمت منافع تمام بشریت است. آنچه برای همه خلق‌ها مهم است آن است که، اتحادیه ما خواستار صلح، تنش‌زدایی و همزیستی مساوات‌آمیز است».

کادار گفت که مجارستان کاملاً از مبارزه انقلابی خلق‌انگیز حمایت میکند و کمک همه‌جانبه اتحاد شوروی را به انقلاب افغانستان مورد تقدیر قرار میدهد و ار پیششادهای اخیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که هدف آن رسیدن به حل و فصل سیاسی است، پشتیبانی میکند. کادار تاکید کرد که مردم مجارستان با اطمینان در مسیر ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفت و تحکیم دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی پیش می‌روند.

مبارزه کشاورزان پرتغال برای دفاع از ثمرات اصلاحات ارضی ادامه دارد

دهقانان اعلام کرده‌اند که اجازه نخواهند داد ثمرات اصلاحات ارضی بوسیله دولت دست‌راستی ساکاتیرو نابود شود. دولت ساکاتیرو تلاش دارد عملاً اصلاحات ارضی را لغو کند.

مبارزه کشاورزان پرتغال جهت تثبیت دستاوردهای انقلاب و بویژه اصلاحات ارضی ادامه دارد. در زدوخورد میان کشاورزان و «سورن پلیس پرتغال در جنوب این کشور، سه دهقان مجروح شدند.

امریکا بهیچ وجه قصد توقف دادن به سیاست تحریک و توطئه خودش را علیه حق طلبی ملت ایران ندارد

وزارت دادگستری آمریکا احضارهای به کسانی که قصد شرکت در کنفرانس بررسی مداخلات و تجاوزات آمریکا در ایران را داشتند داده است که در طی آن احضاریه نمایندگان آمریکا تهدید شده بودند که در صورت سفر به ایران هر یک به ۱۰ سال زندان ۵۰ هزار دلار جریمه محکوم خواهند شد و تهدیدات مشخص دیگری نسبت به نمایندگان آمریکائی که خواسته‌اند به ایران بیایند انجام شده است. وحشت آمریکا از بر ملا شدن شب گذشته بار دیگر دولت امریکا با ارتکاب یک عمل غیر قابل توجه و از نظر سیاسی غیر قانونی حتی مخالف با قانون اساسی امریکا نشان داده که بهیچ وجه قصد توقف دادن به سیاست تحریک و توطئه خودش را علیه حق طلبی ملت ایران ندارد و همان کسانی که در قبال حلیتی امضا کرده بودند «آزادی رفت و آمد، اندیشه‌های انسانها را درست دو ساعت قبل از اینکه حیات نمایندگی از امریکا به جانب ایران سفر کنند، از طرف

سرمایه‌داران به‌منظور مخالفت و چالگری از تشکیل کارگران در شوراها و اقامت دست به اخراج کارگران آگاه و انقلابی زده‌اند. تاجانی که گاه بار به‌سختگیری و زندانی کردن کارگران نیز کشیده است. اخراج کارگران در کارخانجات نظامی و به‌سازی در کارخانه دارو و پخش از این نوع است. مثلا در کارخانه دارو پخش، کارگران به شوری شدت‌گرای اعتراض کرده و خواهان پرداخت عادلانه سود ویژه می‌شوند. هم‌چنین مقدمات انتخاب شورای اقامت خسرند نا آماده می‌کنند. ولی مدیرعامل با لوث کردن خواست به حق کارگران در دامن زدن به یک جریان کروگان‌گیری و... دست به اخراج ۴۶ نفر از کارگران می‌زند که در این آنان عدد زیادی

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

مطبوعات آمریکا به شکست کارزار تحریم آمریکا علیه المپیک مسکو اعتراف میکنند

انتشار فهرست کشورهای شرکت کننده در بیست و دومین دوره بازیهای المپیک در مسکو توسط کمیته بین المللی المپیک، مطبوعات آمریکایی را جداگانه تحت تأثیر قرار داده است. مفسران ورزش و ناظران سیاسی با اتفاق آراء اعتراف میکنند که مبارزه هیئت حاکمه آمریکا علیه بازیهای المپیک مسکو و «تحریم» آن با شکست روبرو شده است. از جمله نشریه آمریکایی «کریسین ساینس مانیتور» می نویسد:

بازیها در مسکو برگزار خواهند شد، که باید اعتراف کرد تلاش برای تحریم آن با شکست روبرو شده است. واشنگتن نتوانسته است اکثریت کشورهای بازیها را به تحریم وادار کند و بازیها را به تأخیر اندازد.

این نشریه می افزاید:

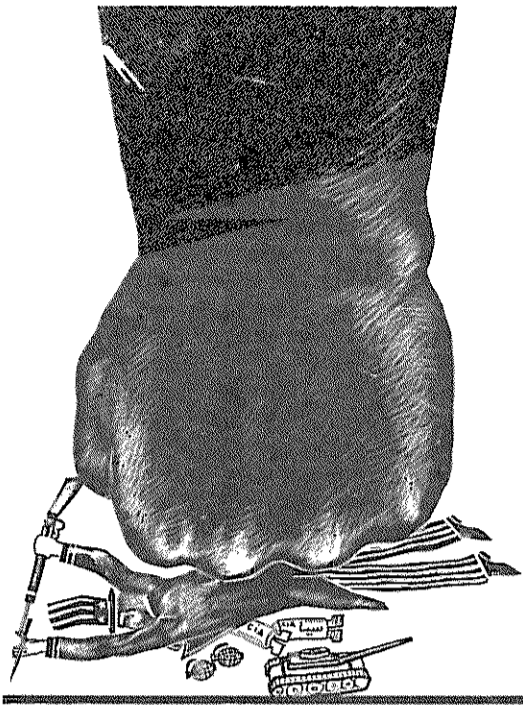
«مخالف رسمی واشنگتن هر چه بگوید، حقیقت آن است که از نظر اکثریت مردم آمریکا بازیهای مسکو بازیهای واقعی المپیک خواهد بود.»

این نشریه نوشت که اکثریت بزرگ قهرمانان معروف جهان در مسکو حضور دارند و قهرمانان آمریکایی شدیداً مأیوس و سرخورده شده اند.

واشنگتن تلاش کرد که با انتشار فهرست جملی از کشورهای که نمیخواهند در المپیک مسکو شرکت کنند، مردم آمریکا را فریب دهد، اما اکنون با انتشار فهرست رسمی کشورهای شرکت کننده، واقعیت برای مردم آمریکا روشن شده است.

آزوسی دیگر خبرگزاری ناسی نوشت که دولت کابرتی اکنون دست به بازی سیاسی کثیف دیگری زده است. با توجه به این واقعیت که شرب الاجل تسلیم تقاضای شرکت در المپیک تمدید نشده است، دولت آمریکا اکنون به آن کشورهای که میخواهند تقاضای خود را تسلیم کنند، فشار وارد میسازد حتی در امور داخلی کمیته های المپیک مداخله میکند. بعنوان مثال سنگوی وزارت خارجه آمریکا از تصمیم کمیته ملی المپیک زلاندنو برای شرکت در بازیهای مسکو ابراز تأسف کرده است.

آزوسی دیگر جیمز کالاهان نخست وزیر سابق انگلیس اعلام کرد که فشار دولت تاجر به ورزشکاران انگلیسی برای عدم شرکت در بازیهای المپیک مسکو «قرون وسطایی» است.



رویدادهای ایران

افغانی های به اصطلاح مبارز مخالف سازمان آزادیبخش فلسطین هستند

طبق خبرهای رسیده، گروهی از دانشجویان افغانی، کدر دانشگاه مشهد مشغول تحصیل هستند، علیه دانشجویان فلسطینی دست به تبلیغات می زنند و مانع فعالیت آنها می شوند.

این گروه تمام اعلامیه ها و پوستره های دانشجویان فلسطینی را، که مربوط به سازمان آزادیبخش فلسطین است پاره می کنند. دلیل آنها نیز برای پاره کردن پوستره ها این است که سازمان آزادیبخش فلسطین «وابسته به شرق» است و «بسیار عرقان طرفدار شوروی» است و از این رو فلسطینی ها حق نصب پوستر ندارند! بدینست بدانند که این دانشجویان به اصطلاح مبارز و مسلمان با گروهک مائوئیستی رنجبران ارتباط مستقیم دارند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در سوئد:

آمریکاباید نیروهای خود را از خلیج فارس خارج کند

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در سوئد در بیانیه ای خطاب به سفارت آمریکا در سوئد، سیاست تجاوزکارانه آمریکا را محکوم و تأکید کرد که «دردمان ریاست جمهوری کابرتی تشنج ثباتی بین المللی نه تنها پیشرفتی نکرده، بلکه دچار لطمه نیز شده است.»

در این بیانیه همچنین آمده است:

«ایالات متحده در تاریخ (۲۳) آوریل به بهانه آزاد ساختن کروزگانها با استفاده از یک واحد هواپرد، پنجمی آشکار به خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرد. این کار یک تحریر نظامی بنای زشت و خود پسندانه علیه استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران است. این عمل همچنان به مثابه زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین اصول حقوق بین المللی و نیز به مثابه بسیاریه ظلمین مردم ایران، مردم کشورهای همسایه ایران و تمام انسانهای مترقی و صلح دوست سراسر جهان است. اقدام مذکور با در نظر گرفتن تهدیدهای مکرر دولت آمریکا در مورد بکار بردن عملیات نظامی علیه ایران، همزمان با تمرکز ناوگان آمریکا در خلیج فارس از جمله داشتن چهار ناو هواپیمابر مجهز به سلاح های اتمی، بوزنه خلیج ناک بنظر می آید.»

امید داریم آمریکا وضعی پس منتهی پدید آورده است که انقلاب ایران را تهدید میکند و صلح، امنیت و ثبات منطقه را در معرض خطر قرار میدهد.

طبق اظهارات کابرتی مسئله آقدر بر سر جان

امتحانات دانشگاه کرمان برهم خورد

امتحانات ترم آخر دانشگاه کرمان به علت حمله گروهی تحت عنوان جامعه اسلامی دانشگاه کرمان، بر گزار نشد.

این گروه روز ۱۰ خرداد به این دانشگاه حمله کردند و ضمن بره زدن جلیقات امتحانی مانع ادامه کار دانشجویان و اساتدان شدند. این افراد پس به بیمارستان و کرمان درمان، محل برگزاری امتحانات دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه کرمان حمله کردند و با شکستن در و پنجره و جرم آوری اوراق امتحانی دانشجویان مانع برگزاری امتحانات آن ها شدند. در جریان این حمله، گروهی از اساتدان پزشکی که به مخالفت با اعمال این گروه پرداخته بودند، دستگیر شدند.

این «مبارزان افغانی» کیستند؟

بر اساس اطلاعات رسیده، افغانی ها که اخیراً به آبیق قزوین آمده اند، بسیار مشکوک به نظر می رسند و در پاسخ به این سؤال که «اهل کجا هستید» گاه خود را افغانی می خوانند و گاه پاکستانی این با اصطلاح مبارزان افغانی وقتی با یکجای بی بیشتر ایرانی ها روبرو می شوند، بلافاصله میگویند «شماها چی هستید، شب می آیم سرتان را می بریم!» راستی این «مبارزان» چه کسانی هستند؟

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۷۲۸-۹۳۳۴۵۹

شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ، کویان

MARDOM
No. 249
2 June 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

حمله عناصر مشکوک به محل فروش نشریات حزب توده ایران در گلپایگان

به دنبال حمله عناصر مشکوک به محل فروش نشریات حزب توده ایران در گلپایگان، از طرف هواداران حزب در این شهر اطلاعیه ای صادر شد.

در این اطلاعیه، که خطاب به مردم مبارز گلپایگان صادر شده، آمده است:

«روز شنبه ۲۷ اردیبهشت، در پی راهپیمایی به مناسبت تشییع جنازه پنج نفر از پاسداران اعزامی به کردستان، که روز قبل انجام شده بود، عده ای معلوم الحال به محل فروش نشریات حزب توده ایران در گلپایگان حمله کردند و آن را به آتش کشیدند.»

در دنباله اطلاعیه، ضمن تأکید بر اینکه قصد از این گونه حمله ها انحراف مبارزه ضد امپریالیستی ملت ایران است، میخوانیم:

«هواداران حزب توده ایران در گلپایگان ضمن محکوم کردن این اعمال که مغایر با نص صریح قانون اساسی است، از همه مسئولین، بویژه فرماندار گلپایگان و سپاه پاسداران گلپایگان می خواهیم تا با قاطعیت کامل جلوی اینگونه اعمال ضد انقلاب را بگیرند و مسیبن این حوادث را هر چه سریع تر تحت تعقیب و پیگرد قانونی قرار دهند.»

گروگانها نیست، که برس «پرسیتیز» و «دماغ حیاتی آمریکا» اقدام نظامی آمریکا بعنوان تکمله آن محاصره اقتصادی است که کابرتی علیه ایران شروع کرده است. وی در عین حال تلاش دارد که حمایت اروپای غربی و ژاپن را برای از گرسنگی بزانو در آوردن ایران جلب کند. از گرسنگی بزانو در آوردن دمنشانه است و هر انسان را متأثر میکند.

سیاست دولت کابرتی ماجر اچوایانه، بدون حساب و دردم برهم است. کاملاً واقع بینانه است اگر بگوئیم که در زمان ریاست جمهوری فلسفی آمریکا، مسئله صلح و رخصت زدن نه تنها پیشرفتی نکرده، بلکه دچار لطمه نیز شده است. ولی مردم ایران و مردم سایر کشورهای که مورد تهدید آمریکا قرار دارند، هرگز بزانسو در نمی آیند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در سوئد در بیانیه ای ضمن بیانیه خواستار خروج فوری نیروهای جنگی آمریکا از منطقه خلیج فارس و عدم دخالت این کشور در امور ایران شده است.

نصب اعلامیه گروهک مائوئیستی در سازمان گوشت کشور!

اعلامیه گروهک مائوئیستی ضد انقلابی «کنفدراسیون دانش آموزان و دانشجویان ایرانی» به دستور مدیر عامل سازمان گوشت کشور در تابلوهای این سازمان نصب شده!

کارکنان سازمان گوشت کشور روز ۳۰ فروردین هنگامی که به محل کار خود رفتند، اعلامیه های این گروهک ضد انقلابی را در تابلوی آگهی اداره مشاهده کردند. مضمون اعلامیه همانطور که از این گروهکها انتظار می رود، مربوط به «اشفای توطئه ابر قدرت روس در سرنگونی دولت جمهوری اسلامی» بود.

با ماهیت ضد انقلابی و مائوئیستی این گروهک و با سابقه فعالیت تنگن آن همگان آشنائی دارند و می دانند که این قبیل گروهکهای مائوئیستی، که دست در دست ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی دارد، چگونه و با چه شدتی سعی دارند با اشاعه تبلیغات زهر آگین خود بر امون خطر مردم «شوروی» و نیروی توده های خلق را از سر مبارزه با امپریالیسم آمریکا منحرف کنند و آمریکای چنیاتکار را از زیر ضرب های بولادین خلق خارج سازند. اما آنچه که تسبب آور و تاسف انگیز است اینست که چرا و چگونه این قبیل اعلامیه های ضد انقلابی در محیط ادارات دولتی رژیم جمهوری اسلامی ایران نصب می شوند!

چرا علیرغم کشتار سریع امام خمینی و دیگر مسئولین مملکتی پیرامون تمیز تمام نیروها علیه دشمن غدار و اصلی انقلاب ما، شیطان بزرگ آمریکای چنیاتکار، اینگونه تبلیغات ضد انقلابی دام زده می شوند و اشاعه می یابند؟

شوخی نیست...

اسلام آمریکایی

رژیم دیکتاتوری نظامی پاکستان با صدور سلسله دستوراتی در جهت مانع شدن از مخالفت سیاسی مردم، اختیارات دادگاههای نظامی را افزایش داد و «بر اساس دستورات مزبور، که فرمان نظامی شماره ۷۸ خوانده می شود، هر کسی را که خطری متوجه امنیت کند، می توان بطور نامحدود بدون توضیحی توقیف کرد.»

(کیهان، ۶ خرداد)

حالا می توانید اسلام آمریکایی را تعریف کنید!

نماینده سادات خائن، دبیر کل سازمان رادیوهای کشورهای اسلامی!

روزنامه تشرین، چاپ سوریه، در مقاله ای، ضمن افشا جبهه دبیر کل سازمان رادیوهای کشورهای اسلامی، گفته است که نماینده رژیم سادات خائن است، سپس از کنفرانس کشورهای اسلامی خواسته است که فرد دیگری را بجای این شخص برگزیند.

اسلام آمریکایی صاحب نفوذ است.

مسلمانان پاکستان با ضیاء الحق مسلمان نما مخالفند

رهبر جماعت اسلامی پاکستان در مصاحبه ای با کیهان گفته است:

«ما از دولت فعلی ضیاء الحق حمایت نمیکنیم.»

(کیهان ۶ خرداد)

مسلمانان واقعی اسلام آمریکایی را می شناسند.

جلاد ساواک زجر کشیده!

کمالی، جلاد معروف ساواک، ضمن دفاع از خود گفت: «هیچکس در ساواک به اندازه من زجر و محرومیت نکشید. آه زن و فرزند من بود که ساواک را نابود کرد.»

قاضی شرع رسید: «زجر و محرومیت دادی یا کشیدی؟»

جلاد ساواک گفت: «نکندیم» (جمهوری اسلامی، ۶ خرداد ۵۹)

اقتصاد وابسته

در سال گذشته:

«فروش شرکت آملی «ساتس گیتر» به ایران به میزان سالانه حدود ۹۰ میلیون مارك بود»

«فروش «گروپ» به ایران ۴۰۰ میلیون مارك بود»

«فرانسه پروژه های به ارزش ۲ میلیارد دلار در رشته های مهندسی راه و ساختمان و راه آهن، سد و غیره در ایران دارد.»

«انگلیس در ماههای ژانویه و فوریه سال جاری ۴۰ میلیون پوند کالا به ایران صادر کرد»

و «در ماه مارس گل صادرات ژاپن به ایران ۴۰ میلیون دلار بود...» (مجاهد، نقل از اکونومیست - ۶ خرداد ۵۹)

و این فقط بخشی از اقتصاد وابسته است.

نتیجه محاصره اقتصادی

وزیر بازرگانی گفته است:

«پنج ماه پیش که اتحادیه کارگران کشتی در آمریکا تصمیم گرفتند که برای ایران محصولات حمل نکنند، همیشه واسطه هایی پیدا شده اند که بار مورد خواسته ما را از طرق مختلف به ما برسانند. به نظر من نتیجه محاصره اقتصادی ممکن است کمی باعث افزایش قیمت ها شود. والا همان جنس هایی که به ما می رسند، الا از راههای مختلف به ما می رسد» (اطلاعات ۲۶ خرداد ۵۹)

گروهکهای شناخته و ناشناخته

روزنامه مائوئیستی «رنجبر» با با اصطلاح گروه انقلابی خلق های افغانستان صاحبهای تریب داده و در طی آن از قول آنها گفته:

«... متأسفانه به علت نبودن امکانات و برخورد نادرست سازمانهای اسلامی در خارج از کشور منبری بر قلعه ها کردن کلیه این نیروها... بخود این نیروها و جبهات در جهان ناشناخته مانده اند...» (رنجبر، شماره ۵۷)

برای اطمینان خاطر ایشان باید بگوئیم که «این نیروها و جبهات» زیاد هم ناشناخته نیستند، چون... خبر زیر را بخوانید:

«نیمه شب گذشته در یک ساختمان نیمه تمام واقع در باغ فاطمه شرق تهران، چند مرد افغانی در حالیکه هر یک کارتی در دست داشتند، به گروهی دیگر از افغانیها، که تعدادی از آنها نیز خفته بودند، حمله ور شده آنان را به سختی مجروح کردند...» (جمهوری اسلامی، ۶ خرداد)

کمبود فیلم رادیولوژی در بیمارستانها، مشکلات فراوانی ایجاد کرده است

کمبود فیلم رادیولوژی در بیمارستان مسندق و همچنین بیمارستان خورشید، فیض و امین که زیر پوشش دانشگاه اصفهان قرار دارند، مشکلات فراوانی به بار آورده است.

مدتی است بیمارانی که به بیمارستانهای فوق مراجعه می کنند، به دلیل کمبود فیلم رادیولوژی به مراکز خصوصی فرستاده میشوند.

علت اصلی کمبود فیلم این است که فیلمهایی که قبلاً از کشورهای ژاپن، آمریکا و سوئد خریداری می شدند، به دلیل افزایش قیمت دیگر از این کشورها خریداری نمی شوند.

بر مقامات مسئول است که مشکل کمبود فیلم رادیولوژی در این بیمارستانها را هر چه زودتر حل کنند، تا بیمارانی زحمتکشی که قدرت مالی ندارند تا به مراکز خصوصی بروند، در بیمارستانها معالجه شوند.